

بِالْبَيْتِ الْحَرَامِ

# شرط عاقبت

نویسنده: سعید حیدر پور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: حیدرپور، سعید، ۱۳۶۶-  
عنوان و نام پدیدآور: شرط عاشقی / تالیف سعید حیدرپور؛ ویراستاری وجیهه صادق فرد.

مشخصات نشر: مشهد: دیانت، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۹۰ ص:؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۲۲۸-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: ولایت، امامت

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق - اثبات خلافت

موضوع: ولایت فقیه

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۸۷۵۳۲

وضعیت رکورد: فیپا



## شرط عاشقی

تألیف: سعید حیدرپور

انتشارات: دیانت

ویراستاری و صفحه آرایی: وجیهه صادق فرد

طراح جلد: امید توزنده جانی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پیشگام

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۲-۲۸-۴

قیمت: تومان

تمام حقوق برای مؤلف محفوظ است.

[www.diyanatpub.ir](http://www.diyanatpub.ir)

آدرس: مشهد، فلسطین ۱۱، پلاک ۳۵

تماس با انتشارات: ۰۹۱۵۲۰۴۳۸۶۲

ارتباط مستقیم با نویسنده: ۰۹۱۵۲۰۷۶۷۰۰

# شرط عاشقے

سعید حیدر پور



## فهرست مطالب

۶	پیشگفتار
	<b>فصل اول: آیا پیامبر ﷺ حکم مستقیم بر ولایت امام علی <small>علیه السلام</small> داده‌اند؟ ۹</b>
۱۲	کاروان غدیر
۱۳	واقعه غدیر
۱۵	خطبه غدیر
۱۹	<b>فصل دوم: شرط مسلمانی چیست؟</b>
۲۲	سابقه نمایندگی و جانشینی در ادیان الهی
۲۴	شرح واژه جاهلیت
۲۶	انواع شناخت
۲۸	خاطره یک پزشک جراح
۲۹	<b>فصل سوم: تناسب عدالت خداوند</b>
۳۲	تناسب عدالت خداوند برای تمام اعصار
۳۴	آماده‌کردن شیعیان برای غیبت کبری
۳۶	حکم امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> به شیعیان برای زمان غیبت کبری
۳۶	آماده‌کردن شیعیان برای شرایط ظهور
۳۹	<b>فصل چهارم: دو قانون در شناخت جانشین امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></b>
۴۳	قانون اول: تقوا پیشگی خودمان

قانون دوم: دارا بودن ویژگی‌های مخصوص جانشین در مدعی جانشین

- ۴۷ امام زمان عجل الله تعالی فرجه.
- ۴۹ **فصل پنجم: ولایت فقیه، از کجا؟ چرا؟ چگونه؟**
- ۵۲ یک شبهه‌ی فراگیر
- ۵۳ شرح واژه ولی فقیه
- ۵۴ معنای ولی فقیه
- ۵۵ ویژگی‌های ولی فقیه
- ۵۶ فرق مجتهد و مرجع تقلید
- ۵۷ سابقه ولی فقیه
- ۶۰ عبدالعظیم حسنی
- ۶۲ شیخ مفید
- ۶۴ فوائد و وظایف ولی فقیه
- ۶۶ خواجه نصیرالدین طوسی
- ۶۶ شیخ بهایی
- ۶۹ **فصل ششم: زمینه‌های تبعیت از ولی فقیه**
- ۷۲ احکام سیاسی و جهاد با کفار
- ۷۵ **فصل هفتم: چگونگی انتخاب و انتصاب ولی فقیه در ایران**
- ۷۸ شرایط و صفات رهبری
- ۸۰ یک درس بزرگ تاریخی برای مسلمین و فقها
- ۸۴ ویژگی‌های جنگ نرم در سفارشات مقام معظم رهبری
- ۸۵ مهم‌ترین ابزار پیروزی در جنگ نرم
- ۸۸ منابع

## پیشگفتار

بندگی خداوند به درک دستورات الهی است. فهمیدن حکمت است نه علم و عمل به تنهایی. بندگی واقعی به طاعت الهی است نه صرفاً عمل بدون درک درستی از حکمت آن. اهمیت و ارزش عمل در نیت بالای طاعت الهی است. اینکه انسان فقط عمل صالح انجام دهد؛ عبادت کند و نفهمد عبادت واقعی و بندگی درست چیست چه فایده‌ای دارد؟

فرض کنید کارگری استخدام کرده‌اید تا در محل خاصی ۳ متر چاه حفر کند. اما کارگر به تشخیص خودش چند متر آن طرف‌تر ۳۰ متر چاه حفر می‌کند. آیا مزد آن زحمت را می‌دهید؟ چه بسا شاکی هم شوید که اصلاً نباید اینجا چاه یا چاله حفر می‌کردی!

انجام اعمال بندگی هم همین‌گونه است؛ باید همان‌جا و همان‌قدر که خداوند فرموده است صورت پذیرد.

و اما نشانی‌ها را خداوند به وسیله پیامبر ﷺ و اهل بیت  به مردم ابلاغ کرده است. البته در صورت پذیرش طاعت، هم در دستورات پیامبر ﷺ و هم امام معصوم ، انسان باید از روی فهم، درک و ایمان به دستورات پروردگار عمل کند. اگر فقط عمل به دستورات بدون داشتن درک درست از بندگی و ایمان باشد و اعتقادی درونش نباشد، رنگی از بندگی ندارد. برای همین است که تا گناه می‌کنیم خداوند عذاب نمی‌دهد و تا عمل صالح انجام می‌دهیم پاداش نمی‌دهد.

خداوند میل دارد انسان در آزادی و استقلال شخصیتی بندگی کند نه از روی استتمار و تحت فشار. شاید به همین دلیل است که شرایط پیرامون را قدری پیچیده‌تر طراحی کرده تا انسان لحظه‌به‌لحظه و کم‌کم به فهم و درک بندگی خدا برسد.

پاداش و عذاب‌های الهی پنهان است طوری که می‌توان انکار کرد که از سوی خداوند هستند یا حتی هر اتفاق مثبت و منفی زندگی را درس یا تنبیهی از جانب خدا دانست. روزه‌روز امتحانات الهی پیچیده‌تر می‌شوند زیرا هر عصر و روزگاری مردم باید امتحان مخصوص خودشان را داشته باشند.

روزگاری امتحان الهی در اعتقاد به پیامبرش بود و روزگاری در اعتقاد مردم به جانشین پیامبرش که امام معصوم باشد و روزگاری هم امتحان الهی در باور به جانشین امام معصوم است.

برای هر انسان پاک فطرت و جوایای حق، ادله‌های تاریخی/روایتی و عقلی بر حقانیت و تأیید صحت جانیشینی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک کفایت می‌کند؛ همچنین اثبات می‌کند که تنها راه فهمیدن مسائل شرعی در عصر غیبت همین است و به اختصار در این کتاب به عرض می‌رسد. باشد که مورد رضایت و عنایت حضرت زهرا علیها السلام اولین مدافع ولایت و امامت قرار بگیرد.

هدیه به پیشگاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک

الاحقر حیدرپور / تابستان ۱۳۹۹





آیا پیامبر ﷺ حکم مستقیم بر ولایت  
امام علیؑ داده اند؟





شاید بتوان از جریان کربلا و امام حسین علیه السلام و هزاران کوفی به ظاهر شیعه که از امام زمانشان دعوت کردند پیش آن‌ها برود، این درس را گرفت که ما باید دنبال امام زمانمان برویم نه امام زمان به دنبال ما. خداوند امام زمان عجل الله تعالی فرجه را از چشم‌ها دور کرد تا ما بفهمیم باید در دل‌ها و ایمان‌ها پیدایش کنیم.

اما مسیرش چگونه است؟

آنچه شیعه برای درک و فهم تکالیف و ایمان لازم دارد به اندازه‌ی کافی در آیات و روایات آمده است و امام زمان عجل الله تعالی فرجه و دیگر اهل بیت علیهم السلام هم فرموده‌اند که برای فهم تکالیف دینی و تقویت ایمان به جانشینان ما رجوع کنید.

تاریخ ثابت کرده است که اگر کسی نخواهد از جانشین ولی زمانش تبعیت کند، نمی‌کند حتی اگر ولی زمانت خود حضرت محمد صلی الله علیه و آله باشد و با مراسم باشکوه و متفاوتی مثل غدیر خم شخصی با آن سابقه و با آن جایگاه مثل حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام را معرفی کند.

## کاروان غدیر

ده سال از هجرت می‌گذشت و فصل تابستان در یکی از گرم‌ترین نقاط کره‌ی زمین فرا رسیده بود. گاهی دما مرز ۵۰ درجه‌ی سانتیگراد را هم رد می‌کرد. وسایل رفت‌وآمد و سفر فقط چهارپایان بودند. بیماری حصبه و آبله نیز شیوع پیدا کرده بود. بسیاری از مردم مستقیم یا غیرمستقیم با این بیماری‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کردند. برخی مبتلا شده بودند و برخی دیگر از بستگان و عزیزانشان مراقبت می‌کردند.

ناگهان خبری ناراحت‌کننده شهر را فرا گرفت. چشمان بسیاری پر از اشک شد و دست و پای بسیاری به لرزه افتاد. بغض با تمام توان و قدرتی که داشت، گلو را می‌فشرد.

واقعاً راست است؟! امسال آخرین سال است؟ بعدش چه بلایی سرمان می‌آید؟ باور کنیم که امسال، آخرین حج پیامبر ﷺ می‌باشد؟! بله! آخرین حج پیامبر ﷺ نزدیک بود. سال، سال حجة‌الوداع پیامبر ﷺ با مردم بود.

بالآخره کاروان پیامبر ﷺ مهیای سفر گشت و از مدینه عازم مکه شد. (فاصله‌ی مدینه تا مکه حدود ۴۵۰ کیلومتر می‌باشد).

شیوع بیماری آبله و حصبه توفیق همراهی را از بسیاری سلب کرده بود، با این وجود، افراد زیادی خودشان را به آخرین کاروان حج پیامبر ﷺ رساندند. درنهایت کاروان با بیش از نود هزار نفر به سمت مکه حرکت کرد. خبر حجة‌الوداع پیامبر به شهرهای دیگر هم رسیده بود. از هر شهری هزاران نفر، به هنگام مراسم حج، خودشان را به مکه رساندند و بر این سیل جمعیت، سیل دیگری افزوده شد.

مراسم حجاج و زیارت خانه خدا، با شکوه غیر قابل وصفی صورت پذیرفت. در حین مراسم پیامبر ﷺ توجه خاصی به حضرت علی علیه السلام داشت که بسیار آشکار

بود. در نهایت مراسم حج به پایان رسید و حجاج آماده‌ی برگشت به سمت دیار خود شدند.

جمعیت بسیار زیادی در راه بازگشت همراه پیامبر ﷺ بودند.

### واقعه غدیر

کاروان پیامبر ﷺ در راه بازگشت، با دیگر همراهانی که از شهرهای مختلف همراه آن‌ها شده بودند، به مکانی رسیدند که راه‌های مدینه، مصر و عراق از آنجا منشعب می‌شد و آن منطقه را "جحفه" می‌گفتند.

آن روز پنج‌شنبه هجدهم ذی‌الحجّة الحرام بود که در کنار برکه‌ای به نام "غدیر خم" جبرئیل امین، آیه‌ای از جانب خداوند متعال بر پیامبر ﷺ نازل کرد:



يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ



ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت به تو نازل شده است (در مورد ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام) اعلام کن و اگر چنین نکنی، رسالت الهی را نرسانده‌ای و (بدان که) خداوند تو را از (شر) مردم (و کسانی که تحمل شنیدن این پیام مهم را ندارند) حفظ می‌کند. همانا خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله دستور می‌دهند همگی در این محل جمع شوند. پیکی می‌فرستند تا آنان که جلوتر رفته‌اند برگردند و منتظر می‌شوند بقیه نیز برسند.

جمعیت انبوهی جمع شد. با چند صد هزار نفری که از شهرهای دیگر و کشورهای مصر و عراق به آن نود هزار نفر اهل مدینه، اضافه شده بودند. جمعیت به حدی رسید که توان شمارش افراد را از رویان گرفته بود.

در کنار برکه‌ی غدیر خم پنج درخت بزرگ قرار داشت و گویی نشان‌گر مطلبی به مسلمین بودند. پیامبر ﷺ کنار همان پنج درخت را برای مهمترین مأموریت الهی خود انتخاب می‌کند.

اصحاب آنجا را جاروب کرده، تمیز نموده و مهیا می‌کنند.

جایگاه نسبتاً مناسبی فراهم می‌شود.

به دستور پیامبر ﷺ هیچ‌کس حق نداشت حتی یک لحظه در آن جایگاه بنشیند. روز بسیار گرمی بود. زمین هم در آن منطقه‌ی کویری و فصل تابستان و نیز اواسط روز، بسیار گرم و داغ شده بود.

همه‌ها و پیچ‌پیچ بین مردم زیاد شده بود.

پیامبر که مهربان‌ترین خلق خداوند با مردم است و همیشه با عطف خاصی با مردم رفتار می‌کند، چه شده که ساعت‌هاست ما را زیر این آفتاب داغ و سوزان نگه داشته است؟ مگر چه اتفاق مهمی قرار است رخ دهد؟

شاید پیامبر ﷺ می‌خواهند ما را یاد قیامت بیندازند و در سفر آخرشان با ما از آخرت و قیامت سخن بگویند.

این سؤالات و صحبت‌ها در فضا پخش شده و ذهن بسیاری را مشغول خود کرده بود.

شرایط طوری بود که مردها از شدت حرارتِ گرمای هوا و داغی زمین مقداری از عباي خود را بالای سر و مقداری را زیر پایشان می‌گذاشتند.

وقت نماز ظهر فرا رسید، پیامبر ﷺ به جایگاه رفته و نماز گذاردند. با آن جمعیت انبوه، نماز جماعت باشکوهی به امامت پیامبر ﷺ برگزار شد.

شرایط طوری بود که شور و حال حج را برای جمعیت تداعی می‌کرد.

پس از نماز، منبر بلندی با جهاز شتران آماده شد و پیامبر ﷺ کنار آن پنج درخت و آن برکه‌ی آرام که هر کدام نشانگر مطلبی واضح بودند بالای منبر رفته و با صدای بلند سخن گفتند. گویی ملائک آسمان هم، صدای ایشان را تقویت می‌کردند. اما نه، صدا، صدای پیامبر ﷺ بود و تا آخرین نفر هم که حتی چشم نمی‌دید صدای بهترین خلق خداوند می‌رسید.

### خطبه غدیر

پیامبر ﷺ خطبه‌ی مبارک و سرنوشت‌سازشان را این‌گونه خواندند:

هر ستایش و سپاس از آن خداست و از او یاری می‌جوییم. به او ایمان داشته و بر او توکل می‌کنیم. از شر نفس و بدی‌های اعمال به او پناه می‌بریم. آن کس را خداوند گمراه نمود هدایت‌گری نیست و آن‌که را خداوند هدایت فرمود، گمراه‌گری نیست. شهادت می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و محمد بنده و فرستاده‌ی اوست.

ای مردم! خداوند لطیف و خبیر (دانای بر مصالح) به من خبر داده است، عمر هر پیامبری برابر با نیمی از عمر پیامبر پیش از خودش است. نزدیک است که من دعوت حق را اجابت کنم.....

و سپس می‌فرماید:

من زودتر از شما به بهشت و نزد حوض کوثر می‌رسم و شما نیز در آینده، کنار همان حوض، بر من وارد خواهید شد. حوضی که از صنعاء (پایتخت یمن) تا بصری (روستایی از توابع دمشق) دامنه‌ی آن است و جام‌های نقره در آن به بیشمار ستارگان آسمان است. اما مراقب باشید که پس از من با آن دو وجود گراند قدر چگونه رفتار می‌کنید.

برای مدتی پیامبر ﷺ سخن نمی‌گویند و سکوت مطلق بر آن جمعیت انبوه حاکم می‌شود. شخصی از میان جمع ندا برمی‌آورد: ای رسول خدا! آن دو وجود

ارزشمند چیست؟



### پیامبر ﷺ فرمودند:

الثقل الاکبر کتاب الله عزوجل سبب طرفه بیدالله عزوجل و طرف بایدیکم. الثقل الاصغر عترتی اهل بیته.

ثقل اکبر، کتاب خدا می‌باشد که یک سر آن به دست خدای عزوجل و سر دیگر آن دست شماس است. آن را محکم نگه داشته تا گمراه نشوید.

ثقل اصغر، عترت و اهل بیت من است. خداوند لطیف و خبیر به من خبر داده است که این دو، تا هنگام ورود من نزد حوض از هم جدا نخواهند شد و من نیز از پروردگام خواستم که چنین باشد. بر آن دو پیشی نگیرید که هلاک می‌شوید و از آن‌ها دست برندارید که باز هم هلاک می‌شوید.

در این لحظه دست علی ابن ابیطالب ﷺ را بالا گرفت و آن قدر بالا برد تا سپیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَا أَوْلَىٰ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ...

خداوند مولای من و من مولای مؤمنان هستم. من بر آنان از خودشان سزاوارتر (صاحب اختیارتر) هستم. هر که من مولای اویم پس این علی مولای اوست. این علی مولای اوست. این علی مولای اوست.

سپس چنین دعا فرمودند:

بار خدایا! هر که او را دوست و یار بود، دوست و یارش باش و هر که او را دشمنی کند، دشمن بدارش. هر کس از روی محبت او را بزرگ داشت و بر شکوه و شوکتش افزود، تو نیز او را از محبت تعظیم کن و هر که از روی بغض او را خوار و حقیر ساخت، تو هم خوار و حقیرش بدار. یاری ده هر که او را یاری کند، هر کس او را بی‌یاور گذاشت یاری‌اش مکن و حق را دائر مدار او قرار بده.

بعد از این دعا وجود پر برکت رسول گرامی ﷺ امر فرمودند که این سخنان را

حاضرین به غائبین برسانند.

هنوز جمعیت پراکنده نشده بود که امین وحی الهی، جبرئیل، این آیه را فرود آورد:

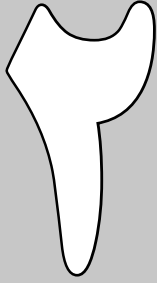


الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.



امروز دینتان را برایتان کامل گردانیده و نعمتم را برایتان به اتمام رسانیده‌ام.<sup>۱</sup>





شرط مسلمانے چیست؟



زمانی که دستور مستقیم الهی و پیامبرش بر موضوعی مشخص باشد پس آن دستور یک فریضه و تکلیف واجب می‌شود و همان‌طور که در دستورات دینی داریم، اگر کسی فرائض الهی مثلاً نماز را که دین مبین اسلام مستقیماً بر آن تأکید کرده است انکار کند از اسلام خارج شده است. در این مورد هم به هر دلیل اگر کسی دستور ولایت امیرالمومنین علیه السلام را که مستقیماً از جانب خدا و پیامبرش هست انکار کند، حالا به هر بهانه‌ای که مثلاً ولی به معنای دوست !!! هست، یقیناً شرط مسلمانی را رعایت نکرده است. واقعاً با کمی عقل و تفکر واضح است که آن همه شرایط خاص و نگه داشتن مردم در غدیر خم و آن‌طور ابلاغ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به این معنا نیست که بفرمایند من علی را دوست دارم !!!

اما ای مردم و ای اهل ایمان آیا حق همین دوستی را هم ادا کردند! با سوزاندن درب منزل دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همسر علی علیه السلام و با شکستن بازوی حضرت زهرا علیها السلام خواستند دستش از دفاع ولی خدا بر مردم قطع شود!؟

و اما دلایل و روایات واضح و معتبری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به استاد کتب معتبر اهل سنت و شیعه نسبت به این ادعا که حضرت علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ولی خدا و امام مسلمین معرفی شده است نه صرفاً فقط دوست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم موجود است.



## سابقه نمایندگی و جانشینی در ادیان الهی

از ابتدای خلقت انسان، خداوند متعال، به صورت مداوم پیامبرانی را بر روی زمین جانشین خود قرار داده است. پیامبران الهی به دو دسته تقسیم می‌شدند: اولوالعزم و غیر اولوالعزم.

تمام پیامبران الهی ۱۲۴ هزار نفر هستند که فقط پنج پیامبر اولوالعزم بودند.

تفاوت این پنج پیامبر و آن ۱۲۳ هزار و ۹۹۵ پیامبر دیگر در چیست؟

پیامبران الوالعزم صاحب شریعت بودند اما اغلب پیامبران دیگر، مبلغ شریعت و نیز جانشینان پیامبر اولوالعزم قبل خودشان بوده‌اند.

حتی اگر پیامبران اولوالعزم برای مدت زمان کوتاهی هم قرار بود در میان امتشان نباشند به دستور خداوند برای همان مدت کوتاه هم جانشین تعیین می‌کردند. مثل حضرت موسی علیه السلام که در غیبت ۴۰ روزه‌اش هارون علیه السلام را جانشین خود قرار داد.

حالا تصور کنید اگر بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم جانشین تعیین نشده باشد، منطقی است؟!

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها جانشین بعد از خود را تعیین کرده‌اند بلکه آن قدر برنامه‌ریزی الهی دقیق بوده است که حتی تا جانشین دوازدهم، هم تعیین شده است.

در ینابیع‌الموده یکی از معتبرترین کتب اهل سنت باب ۷۶ حدیث ۱ جلد ۳ صفحه ۲۸۱ آمده است:

ابن عباس می‌گوید روزی یک نفر یهودی به نام نؤفل خدمت رسول مبارک اسلام صلی الله علیه و آله و سلم رسید و پس از چند سؤال نسبت به وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کرد که:

هر پیامبری وصی داشته است و وصی شما کیست؟

پیامبر در جواب فرمودند: ان وصی علی ابن ابیطالب علیه السلام ...

همانا وصی من علی ابن ابیطالب علیه السلام است و بعد از او فرزندانش حسن علیه السلام و

حسین علیه السلام و بعد ۹ فرزند حسین علیه السلام؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله با درخواست مرد یهودی ۹ فرزند حسین علیه السلام را نام می‌برند.

در کتاب اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث به نقل از کتاب‌های معتبر اهل سنت مانند: "طناب دین" صفحه ۲۸۰ و "فرائدالسمطين" آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

خليفة‌های بعد از من دوازده نفرند که اول آن برادرم علی علیه السلام و آخرین آن فرزندم مهدی عجل الله فرجه است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند.

حدیث معتبر دیگری موجود می‌باشد که در اثبات وجوب ولایت‌پذیری حجت را بر همگان تمام کرده است. به استناد این روایت که در کتب معتبر اهل تسنن و اهل تشیع آمده است:

هر کس ولایت‌پذیر نباشد و امامت که جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است را قبول نکند، اسلام را نپذیرفته است.

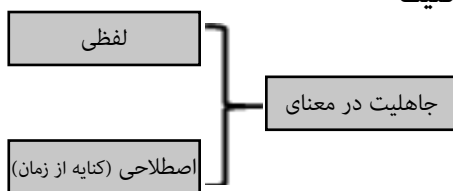
ابتدا مروزی بر اسناد و کتب می‌کنیم:

اسناد اهل تسنن:

- ۱- مسند احمد جلد ۴ صفحه ۶۶.
  - ۲- ابن ابی الحدید شرح نهج‌البلاغه جلد ۲ صفحه ۱۴۷.
  - ۳- طبقات ابن سعد جلد ۵ صفحه ۱۴۴.
  - ۴- معجم الاوسط طبرانی جلد ۱ صفحه‌های ۱۷۵ و ۲۲۷.
  - ۵- مسند ابن شیععه جلد ۱۵ صفحه ۳۸.
  - ۶- تاریخ کبیر نجاری جلد ۶ صفحه‌های ۴۴۵ و ۲۹۴۳.
  - ۷- کشف الاسرار جلد ۲ صفحه ۳۶.
  - ۸- تفسیر ابن کثیر جلد ۱ صفحه ۵۱۷.
  - ۹- شرح المقاصد تفتازایی جلد ۲ صفحه ۲۷۵.
- و اما اسناد و منابع تشیع که این روایت را نقل کرده‌اند:

- ۱- الايضاح صفحه ۷۵.
  - ۲- الاعلام الوری جلد ۲ صفحه ۲۵۳.
  - ۳- الثاقب فی المناقب صفحه ۴۹۵.
  - ۴- بحار الانوار جلد ۲۳ صفحه ۷۶.
  - ۵- الغدير علامه امینی جلد ۱۰ صفحه ۲۵. (کتاب الغدير تماماً از کتب و اسناد معتبر اهل سنت جمع‌آوری شده است).
  ۶. وسایل الشیعه ج ۱۶ صفحه ۲۴۶.
- روایت زیر، روایت بسیار حساسی است که تنها راه رسیدن به خدا را بیان می‌کند. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:
- مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً
- کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، درواقع به مرگ جاهلیت مرده است.

### شرح واژه جاهلیت



ابتدا باید واژه‌ی "جاهلیت" به صورت واضح و کامل مورد بررسی قرار گیرد تا معنا و مفهوم این روایت تا حدی درک شود.

#### معنی لفظی:

جهل از نظر لغوی به معنای نا آگاهی یا ندانستن است و در مقابل مفهوم علم به کار می‌رود. علم به معنی آگاهی داشتن و دست یافتن به واقعیت‌های خارج از ذهن و جهل به معنای دست نیافتن به واقعیت‌های خارج از ذهن است.

به این ترتیب به هر ندانستن و نفهمیدنی جهل اطلاق نمی‌شود. برای اینکه به کسی جاهل صدق کند باید دو نکته رعایت شود:

۱- علمی در واقع وجود داشته باشد و در صورت عدم آگاهی نسبت به آن علم، جهل نامیده می‌شود. مثلاً نسبت به وجود خدای دوم که اصلاً وجود ندارد به کسی جاهل نمی‌گویند.

۲- جاهل به کسی گفته می‌شود که توانایی و شأنت علم را داشته باشد. حالا اگر به هر دلیلی به آن علم دست نیافته باشد جاهل بر آن اطلاق می‌شود. مثلاً به دیوار نابینا نمی‌گویند چون شأنت دیدن ندارد و یا به حیوان جاهل نمی‌گویند چون نمی‌تواند علم به دست آورد.

اگر قائل بر این هستیم که پیامبر اسلام ﷺ تکالیفی که بر مسلمین آورده است از جانب خداست و اعتقاد هم داشته باشیم که خداوند متعال همه‌ی جوانب و نکات را سنجیده و سپس ابلاغ می‌کند، به این نتیجه می‌رسیم که شناخت "امام زمان" که در تمام کتب معتبر اهل سنت و شیعه آمده است هم وجود خارجی دارد و هم تمام مسلمین شأنت به دست آوردن آن علم را دارند.

### معنای اصطلاحی جاهلیت:

به دوران قبل از ظهور اسلام دوران جاهلیت گفته شده است و علی‌القاعده هر انسانی که قبل از ظهور اسلام زندگی می‌کرده مسلمان نبوده است.

روایت دیگری نیز موجود است که واضح‌تر و گویاتر، از جانب پیامبر گرامی اسلام ﷺ این برداشت و تفسیر را که مطرح کردیم بیان می‌کند.

عالم شهیر اهل سنت جناب فخر رازی در کتاب "المسائل الخمسون" طی مسأله چهل و هفت نقل کرده است:

پیغمبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ اِمَامَ زَمَانِهِ فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا وَنَصْرَانِيًّا.<sup>۱</sup>

۱. نقل از کتاب دولت موعود. دکتر انصاری

اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد، گویی همچون یهودی و نصرانی جان سپرده است.

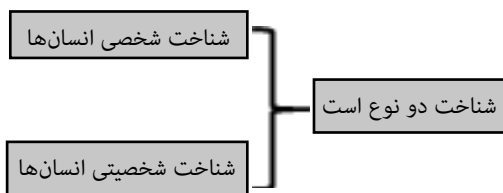
پس به این نتیجه می‌رسیم که برای رهایی از مردن در جاهلیت و مسلمان زیستن و مسلمان مردن باید نسبت به امام زمان شناخت و معرفت داشت.

بیش از ۱۲۰۰ سال است که امام دوازدهم در غیبت به سر می‌برند. بر این اساس اگر شرط مسلمانی شناخت امام زمان باشد از کجا باید ایشان را بیابیم که بشناسیم و به مرگ جاهلیت نمی‌رییم؟

آیا پیامبر ﷺ امر محال و غیرممکن را سفارش می‌کند؟

آیا پیامبر ﷺ حکمی که امکان رسیدن به آن نباشد، شرط مسلمانی قرار می‌دهد؟

## انواع شناخت



### شناخت شخصی یعنی:

- دانستن زمان تولد.
  - چگونه چهره‌ای دارد.
  - قدش چقدر است.
  - رنگ مویش چیست.
  - و خلاصه به صورت کلی مشخصات ظاهری و شناسنامه‌ای فرد می‌باشد.
- معمولاً برای افراد جامعه دانستن شناخت شخصی افراد مشهورتر و بالاتر از

خودشان لذت بخش است. اما باید توجه داشته باشیم، اصل شناخت و معرفتی که مورد نظر پیامبر ﷺ بوده است کدام شناخت می باشد تا بتوانیم مسلمان زندگی کنیم و مسلمان از دنیا برویم؟

چه بسا یکی از دلایل مهم غیبت هم فهماندن همین مطلب به شیعیان باشد که به دنبال ظاهر فیزیکی و جسمانی امامتان نباشید.

مگر در جریان کربلا مسلمانان امام زمانشان را نمی دیدند؟ مگر افرادی نبودند که دیده باشند امام حسین علیه السلام بر دامان پیامبر رشد کرده و بسیار مورد توجه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده است؟ آنان با علم به همین موضوع تیغ بر امام زمانشان کشیدند.

بله، آنان نسبت به شناخت شخصی امام زمانشان عالم بودند ولی نسبت به شناخت شخصیتی امام زمانشان، جاهل.

#### واما شناخت شخصیتی:

شناخت نسبت به درک جایگاه امام، قدرت و اختیارات او در عالم هستی است. چنین شناختی است که انسان را از مرگ جاهلیت نجات می دهد.

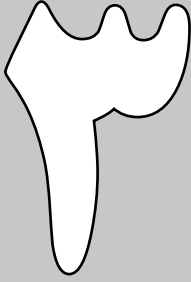
اگر بخواهیم در قالب مثال توضیح دهیم، چنین مثالی را می آوریم:

فرض کنید در یک میهمانی به هر علتی یکی از میهمانان حالت اورژانس و اضطراب پیدا می کند که نیاز فوری به حضور پزشک است. شخصی بسیار خوش سیما و خوش اخلاق هم در همان میهمانی حضور دارد که از قضا همان شخص پزشک حادثی است.

اگر ندانند که او چنین توانایی ای دارد آیا می توانند به او اعتماد کنند و هر چه دستور می دهد را برای حفظ جان آن بیمار انجام دهند؟

## خاطره یک پزشک جراح

خاطره‌ای از یک پزشک در یک حادثه شاید حس ملموس‌تری را به شما القا کند. با اتومبیل مشکی گرون قیمتم از بیمارستان به سمت منزل در حرکت بودم که ناگهان با صحنه‌ی تصادفی مواجه شدم. از اتومبیل پیاده شدم و به سمت محل تصادف رفتم تا اگر کمکی از دستم برمی‌آید انجام دهم. وقتی به بالای سریکی از مجروحان رسیدم با صحنه‌ی دلخراشی مواجه شدم. فرد مصدوم به شدت از ناحیه‌ی سر و صورت زخمی شده بود و خونریزی زیادی داشت. ناگهان متوجه شدم خیلی سخت نفس می‌کشد و کم‌کم نفسش در حال قطع شدن بود. تشخیص من به عنوان یک جراح این بود که به احتمال زیاد خونریزی داخلی هم دارد و داخل گلویش، در محل تقاطع مجرای تنفسی، مقداری خون جمع شده است که با توجه به بیهوشی مصدوم نمی‌تواند خون‌ها را از داخل گلویش بیرون بیاورد. در این لحظه سریع از داخل اتومبیل یک چاقوی کوچک و یک لوله‌ی خودکار آوردم تا گلوی مصدوم را سوراخ کرده و لوله‌ی خودکار را در مجرای تنفسی‌اش بگذارم تا زمانی که آمبولانس می‌رسد بتواند نفس بکشد و زنده بماند. این تنها راه در آن لحظه‌ی حساس بود تا مصدوم زنده بماند. ولی در عین ناباوری همراهم مصدوم مرا با بی‌احترامی و برخورد فیزیکی می‌رانند! و درنهایت عدم اطلاع آنها از اینکه من یک پزشک جراح هستم باعث می‌شود تا مصدومشان فوت کند.



تناسب عدالت خداوند





معما چو حل گشت آسان شود.

قرن‌ها پیش امتحان الهی برای مردم فقط این بود که به خدا ایمان بیاورند و پیامبرش را قبول کنند. اگر این امتحان عیناً برای مردم امروز تکرار شود، با این همه روشنگری و درس‌های مختلف از تاریخ و رشد علمی بشر، دیگر سختی ندارد و واضح است. پس یقیناً امروز امتحان باور و ایمان به ولی خدا نباید راحت باشد؛ همان‌طور که برای مردم قبل باور خدا و پیامبرش راحت نبود.

روش تربیتی خدا در رشد شخصیت انسان و عدالت خداوند این است که هر زمانی معمای خاص خودش را داشته باشد.

## تناسب عدالت خداوند برای تمام اعصار

روزگاری سطح درک و فهم بشر از کائنات و عالم هستی در سطح پایینی بود. همین که قدرتی را نمی‌دیدند ولی به عنوان خدا قبول کردند، خود به تنهایی، ایمان و تقوای بالایی را می‌طلبید.

در آن دوران مردم چنین اکتشافات و اختراعاتی را ندیده و درک نکرده بودند. مثلاً امروزه به راحتی، برای اثبات قدرتی که از دیوارها عبور می‌کند مثال واضحی داریم. (امواج موبایل و رادیو و...) و مثال‌های دیگر که امروزه شاهد آن هستیم. بزرگترین امتحان الهی در آن دوران باور وجود خدا و شناخت پیامبرش بود و همچنین قبول پیامبرش به عنوان اینکه جانشین خدا بر روی زمین است. عدالت خداوند حکم می‌کند که امتحان الهی بر اساس توانایی‌های افراد باشد: لایکلف الله الا وسعها.

تاریخ، گواه بر این مطلب است که وقتی پیامبران بزرگ الهی به سختی و معجزات متعدد مردم را به توحید و یگانه پرستی هدایت نمودند، پس از آنکه از میان مردم رفته و امورات و حوایج دینی مردم را به پیامبران جانشین خود واگذار کردند، آن دسته از مردم که برای انحراف به دنبال بهانه و دلیلی بوده‌اند خیلی زود از آن پیامبر جانشین سرپیچی کردند که نمونه‌های آن بسیار است و در اینجا دو نمونه بزرگش را مطرح می‌کنیم:

### ۱- امت حضرت موسی علیه السلام

آنها در مدت غیبت چهل روزه‌اش از هارون که رسماً حضرت موسی علیه السلام او را به عنوان جانشین خودش معرفی کرده بود، سرپیچی می‌کنند و گوساله پرست می‌شوند.

### ۲- امت حضرت سلیمان علیه السلام

ایشان حکومتی بی‌مثال در تاریخ تأسیس کرد. شیاطین جنی و انسی را شکست داد. سال‌های طولانی زحمات فراوان کشید و حکومت الهی در زمین پایه‌گذاری

کرد تا مردم و بشر طعم شیرین عدالت و دین محوری را در جامعه بچشند. بعد از آن "عاصف" را به عنوان جانشین و پیامبر و پادشاه مردم معرفی کرد. اما با بی‌بصیرتی خَوّاص و هواپرستی برخی از بزرگان قوم که سرپیچی کرده و مردم نیز سوار بر موج آنها سرپیچی کردند، شاهد تضعیف و نابودی این حکومت مقتدر هستیم.

می‌توان گفت که اگر ادیان الهی در طول تاریخ به موفقیت بزرگی دست نیافته‌اند و مردم مکرراً به گمراهی کشیده شده‌اند، به همین علت بوده است که مردم موضوع جانشین و قائم مقام را جدی نگرفته‌اند.

یک سوال؟

پس چرا شیعیان که مسأله‌ی جانشین را قبول کردند، به موفقیت‌های چشمگیری دست نیافته‌اند؟

متأسفانه این موضوع نیز در بین شیعیان به گونه‌ی دیگری خودنمایی می‌کند!!! اگر شیعیان هم، به طور کامل و درست، مسأله‌ی جانشین را درک می‌کردند و می‌فهمیدند، به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا می‌کردند.

شیعیان در مواقع حساس که باید از جانشین امام زمانشان تبعیت می‌کردند، نکردند و اهمیت موضوع را خیلی نفهمیدند.

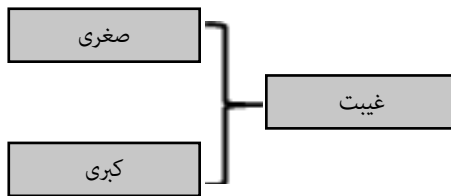
در تاریخ شیعه این موضوع را می‌بینیم که شرایطی پیش آمده تا حکومت شیعه تأسیس شود ولی به علت عدم شناخت، باور و تبعیت شیعیان، چنین اتفاق مهمی روی نداده است.

## آماده کردن شیعیان برای غیبت کبری

امام حسن عسکری علیه السلام قسمت زیادی از عمر مبارکش را در زندان و بازداشت خانگی به سر بردند. ارتباطشان با شیعیان، به صورت مستقیم، قطع شده بود و از طریق نمایندگان امام احکام و توصیه‌ها به شیعیان می‌رسید.

پس از به شهادت رسیدن ایشان و به امامت رسیدن حضرت محمد بن الحسن عسکری المهدی علیه السلام، امام دوازدهم، بر پیکر مبارک پدرشان نماز گذاردند و از همان ابتدا در غیبت به سر می‌بردند و توسط نایب با شیعیان ارتباط داشتند.

غیبت امام زمان علیه السلام به دو بخش تقسیم می‌شود:



به دو علت این دو غیبت به صغری و کبری نامگذاری شده است:

### از لحاظ نحوه و کیفیت غیبت

در غیبت صغری کیفیت غیبت کوچکتر و به عبارتی سبک‌تر از غیبت کبری بود. به این معنا که امام به صورت مطلق غیر قابل ارتباط نبود و توسط چهار نایب که توسط خودشان مشخص شدند با شیعیان ارتباط داشتند. ولی در غیبت کبری همین ارتباط هم قطع شد و غیبت به صورت کامل رخ داد.

چنان که امام زمان علیه السلام در توقیعی فرمودند:

..... و زمان غیبت کامل من فرا رسیده است.....

## از لحاظ زمانی

زمان غیبت صغری کوتاه بوده است و زمان غیبت کبری بسیار بلندتر از غیبت صغری است. می‌توان این طور برداشت کرد که غیبت صغری، آمادگی شیعیان برای غیبت کبری بود.

و اما کیفیت غیبت صغری:

در زمان غیبت صغری چهار نایب توسط امام مشخص گردید تا مرجع شیعیان باشند و حوائج و سؤالات شیعیان توسط این چهار نایب برطرف شود.

### نام‌های نواب خاص

۱- اولین آن‌ها عثمان بن سعید العمری الاسدی که برای سه امام نیابت کرده بود.

۲- محمد ابن عثمان العَمَری که فرزند نایب اول هم هست.

این دو نایب از سال ۲۶۰ تا ۳۰۵ هجری قمری انجام وظیفه نمودند و مرجع شیعیان بودند که سهم پدر ۲۰ سال بوده است.

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی از سال ۳۰۵ تا سال ۳۲۶.

۴- ابوالحسن علی بن محمد از سال ۳۲۶ تا سال ۳۲۹.

محل نیابت هر چهار بزرگوار شهر بغداد بوده است و در همان جا مدفون شده‌اند.

بعد از اینکه نایب چهارم فوت کرد دیگر نایب پنجمی از جانب امام عَلَيْهِ السَّلَام معرفی نشد.

سه نایب قبلی از جانب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام توسط توقيح (نامه) نایب بعدی را به

مردم معرفی می‌کردند اما، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام به دست نایب چهارم یک قانون و

تکلیف جدید را بر شیعیان ابلاغ می‌فرمایند:

### حکم امام زمان عجل الله تعالی فرجه به شیعیان برای زمان غیبت کبری

«و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة احاديثنا فانهم حجتى عليكم و انا حجة الله عليهم.»

اما وقایعی که رخ خواهد داد و مسائل مستحدثه، پس در مورد آنها به راویان احادیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما و من حجت خداوند بر آنان هستم.

### آماده کردن شیعیان برای شرایط ظهور

دوران غیبت را می توان آموزش شیعیان برای شرایط پس از ظهور نامید؛ برای شرایطی که قرار است یک حکومت جهانی توسط امام شیعیان تأسیس و تشکیل شود.

در عصر ظهور، هر منطقه ای که امام زمان عجل الله تعالی فرجه به آن اشراف پیدا می کنند و در حاکمیت خویش قرار می دهند، پس از ایشان باید توسط نماینده و جانشین وی مدیریت شود و امام به دیگر مناطق جهان سفر و یا لشگرکشی کنند.

امروزه شاهد هستیم که شرکت ها و سازمان های بزرگ دنیا در سراسر جهان نمایندگی و شعبه ای دایر کرده اند. چرا که با داشتن یک مرکز، در یک نقطه از دنیا، نمی توان تمام مراجعه کنندگان و نیازهای مردم را برطرف کرد. هم بُعد جغرافیایی و هم عدم وقت کافی برای پاسخگویی به همه ی مراجعه کنندگان باعث می شود که عملاً نتوان نیاز همه ی مخاطبان را به طور کامل و صحیح، در یک مرکز و توسط یک نفر برطرف کرد.

به این سبک کار کردن سیستم می گویند و یک شرکت یا کمپانی هر چه بزرگتر و پرمخاطب تر باشد باید نمایندگی های بیشتر و سیستم دقیق تری در دنیا داشته باشد تا هر کدام از مخاطبان خود را در هر کجا از دنیا به خوبی تحت پوشش قرار دهد.

در این لحظه یک نکته را باید مورد توجه قرار داد:

عقل سلیم حکم می‌کند، در مکان و محلی که یک شرکت یا کمپانی نمایندگی تأسیس می‌کند، مخاطبان درخواست و نیازی داشته باشند و همچنین به نمایندگی آن شرکت اعتماد کنند.

یک کمپانی یا شرکت بزرگ، برای اینکه مخاطبانش دچار کلاهبرداری یا اشتباه نشوند، شاخصه‌ها و نکاتی را برای نمایندگی‌های خود وضع می‌کند که در هر کجای دنیا طبق همان استانداردها نمایندگی‌هایش شناسایی شود.

نسبت به مسأله‌ی نمایندگی و جانشینی امام زمان عجل الله تعالی فرجه له هم، یک سری شاخصه‌ها و نکاتی از جانب ایشان بیان شده است که اگر کسی از ایمان و تقوا برخوردار باشد، زمانی که به دنبال یافتن جانشین امام زمان عجل الله تعالی فرجه له باشد، حتماً قدرت تشخیص درست را خواهد داشت که نماینده‌ی امام زمانش را بیابد. اما اگر هوای نفس، دنیاطلبی و صفات رذیله در انسان باشد، حتی اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه له هم به طور مستقیم جانشین تعیین کند ممکن است قبول نکرده و سرپیچی کنیم.

در وقایع و رویدادهای پس از ظهور می‌خوانیم:

او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له) پس از ظهور و بیعت گرفتن از تمام مردم مکه با ده هزار به علاوه‌ی سیصد و سیزده تن دیگر، از مکه خارج می‌شود و حاکمی از جانب خود بر مکه می‌گمارد.

به مکانی به نام مَرّ می‌رسد که فاصله‌ی کمی با مکه دارد. در آن مکان خبر قتل جانشین امام عجل الله تعالی فرجه له به ایشان می‌رسد. پس به مکه برمی‌گردد و کشندگان نماینده‌ی خود را قصاص می‌کند و اهل مکه با خضوع و تواضع می‌گویند:

ای مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه له "التوبه التوبه".

پس امام مردم را موعظه می‌کند و از عقوبت معاصی و مخالفت با امام بر حذر می‌دارد و دوباره خلیفه‌ای (جانشین) در مکه می‌گمارد و بیرون می‌رود و باز پس از مدتی کوتاه اهل مکه جانشین امام را دوباره می‌کشند که در این هنگام، امام



گروهی از یاران خود را به مکه می‌فرستد و دستور می‌دهد هر که ایمان ندارد را بکشید.<sup>۱</sup>

قیام مسلم ابن عقیل

در جریان رویدادهای کربلا و وقایع روز عاشورا بزرگترین علت در رخ دادن آن مصائب، همین شک در اطاعت از نائب و جانشین امام بود و شیعیان را هم از تشکیل حکومت الهی محروم کرد. حالا این شک چه از روی هوای نفس باشد و چه از روی بی‌بصیرتی، اثروضعی خودش را می‌گذارد. مثل آنجایی که مسلم ابن عقیل برای جلوگیری از ستم و کشته شدن (هانی بن عروه) حکم به قیام کرد و برخی از بزرگان شیعه قیام کردن بدون حکم مستقیم امام را مکروه خواندند و از قیام نماینده‌ی امام زمانشان حمایت نکردند.

کسانی مثل سلیمان صرد خزاعی که از فقهای بزرگ شیعه در آن زمان بود و باعث شدند بسیاری از مردم هم دچار تشکیک شوند و نماینده‌ی امام در همان شهری که هزاران نامه و دعوت‌نامه برای امام زمانشان فرستاده شد غریبانه به شهادت رسید و در کربلا شد آنچه که نباید می‌شد!!!

با این اوصاف که مطرح شد قبول جانشین و نماینده‌ی امام بیشتر از آنکه معرفی مستقیم امام را بخواهد بصیرت و ایمان شیعیان را می‌طلبد.

۱. کتاب مهدی منتظر به نقل از: معجم احادیث الامام المهدی عج ۲۷/۵ ح ۱۴۵۳ و بحار الانوار ۳۴۲/۵۲ ح ۲۷ ب ۹۱



**دو قانون در شناخت جانشین امام زمان** عجل الله تعالی فرجه الشریف



تا به اینجا همه چیز قبول.

اینکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف طبق سنت پیامبر اسلام و پیامبران پیشین، برای مردم جانشین مشخص کرده است.

اینکه به دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به راویان احادیث مراجعه کنیم هم قبول ولی با وجود اینکه تعداد زیادی ادعای روایت‌گری حدیث می‌کنند و به اصطلاح، خود را جانشین عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جلوه می‌دهند، آیا همه‌ی آنان مورد وثوق و حجت هستند؟

آیا به هر روای حدیثی می‌توان اعتماد کرد و امید به رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه داشت؟

جواب:

مسئلاً نه. قطعاً این‌طور نیست. در زمان خود پیامبران هم شیادانی ادّعی پیامبری می‌کردند و در زمان ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام هم، کسانی به کذب ادّعی امامت کردند و حتی در مدت غیبت کبری هم نفرات زیادی مدعی شده‌اند که امام دوازدهم هستند.

ادّعی نیابت امام زمان عجل الله تعالی فرجه آن‌قدر اتفاق افتاده است که قابل شمارش نیست. هم ادّعی نیابت خاص از امام زمان عجل الله تعالی فرجه مطرح شده است و هم ادّعی نیابت عام.

نمونه‌ای از ادّعی دروغ نسبت به نیابت خاص حضرت:

شخصی به نام منصور حلاج که توقع داشت امام عجل الله تعالی فرجه او را نائب چهارم قرار دهد، وقتی به آرزویش که از روی هوای نفس بود نرسید، به دروغ خود را نائب امام زمان عجل الله تعالی فرجه معرفی کرد. جالب اینکه با توجه به اینکه نماینده‌ی امام عجل الله تعالی فرجه با یک معرفی مخصوص توسط نماینده‌ی قبلی مدعی نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه بود ولی برخی از شیعیان دچار اشتباه شدند و عده‌ی قابل توجهی به او ایمان آوردند. منصور حلاج بعد هم که ادّعا می‌کند من "خود امام زمانم" باز هم عده‌ی قابل توجهی به او ایمان می‌آورند.

چگونه در عصر غیبت، نماینده و جانشین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه را تشخیص دهیم؟  
۱- تقوا پیشگی خودمان.

۲- بودن ویژگی‌های مخصوص جانشین در مدعی جانشین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه.

### قانون اول: تقوا پیشگی خودمان

خداوند متعال در کائنات و طبیعت یک نوع انرژی خاص برای رسیدن به موفقیت آفریده است که وجود این انرژی خارق‌العاده مورد اتفاق علمای بزرگ دین و دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان دنیا است.

### قانون جذب

قانون جذب از این قرار است که اگر کسی در درونش به مسأله‌ای و حقیقتی باور و اعتقاد داشته باشد قفل‌های رسیدن به آن را با انرژی قدرت جذب، یکی پس از دیگری باز می‌کند.

ما بدون باور و اعتقاد راسخ درونی و کامل به دین، نمی‌توانیم ادعا کنیم که جانشین حقیقی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه را قبول داریم و از او تبعیت می‌کنیم.

برای شخصی که عشق و علاقه به انجام تکالیف الهی ندارد، طبیعی است که به بهانه‌های مختلف جانشین حقیقی امام عجل الله تعالی فرجه الیه را قبول نکند، چرا که در حقیقت نمی‌خواهد سعی کند اعمالش را مطابق دستور امام عجل الله تعالی فرجه الیه، که همان دستور خداست، انجام دهد.

چطور می‌شود شخصی در دل گناه، دشمنان دین و کفار ستمگر را دوست داشته باشد و بعد مدعی اطاعت از امام زمانش شود که اگر بود ...

به طور مثال:

افرادی را در بین مذهب‌یون می‌بینیم که روش و رویکرد مدیریتی بلاد کفر و کشورهایایی که به طور علنی با اسلام دشمنی کرده و آشکارا فسق و جنایت می‌کنند را، قبول دارند و تمایل نشان می‌دهند که کشور ما هم به سبک آن‌ها مدیریت شود!

آیا این واضح نیست که یقیناً آن‌ها مخالف نظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه حکومت‌داری می‌کنند؟

مرجع دینی و زاهد و متقی بزرگ تاریخ آیت‌الله بهجت (رضوان‌الله‌می‌فرماید: «شما به آنچه می‌دانید عمل کنید؛ خداوند آنچه بر شما معلوم نیست را آشکار می‌کند.»

آیا ما به همین مواردی که می‌دانیم مورد رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه هست، عمل می‌کنیم و اعتقاد داریم؟

آیا همان اندازه که سبک و روش کار اهل بیت علیهم‌السلام را متوجه شده‌ایم، به آن ایمان و اعتقاد هم داریم؟

فکرو ذهن انسان هم باید تقوا داشته باشد تا حجاب‌ها کنار برود.

زمانی به ما شیعه‌ی باتقوا اطلاق می‌شود که باور راسخ به اعتقادات مذهبی داشته باشیم. اگر از درون با شک و تردید، میل به گمراهی و گناه زندگی کنیم چطور می‌توانیم توقع داشته باشیم راه سعادت و خوشبختی را بیابیم.

باید مواظب حیل‌های شیطانی بوده و به این نکته توجه داشته باشیم که آیا به دنبال امام زمانی هستیم که با استانداردهای ما سازگار باشد و یا باید امام زمان عجل الله تعالی فرجه را بیابیم تا استانداردهای خودمان را به تأیید ایشان برسانیم؟

پس از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه اشخاصی هستند که حتی با دیدن معجزات و کرامات ایشان باز هم امام را منکر می‌شوند.

باید دقت داشته باشیم که در انتخاب جانشین امام زمان عجل الله تعالی فرجه هم سلاقی شخصی ذره‌ای خودنمایی نکند و مطمئن باشیم که از روی منطق و دلیل شرعی بررسی می‌کنیم و نظر می‌دهیم.

تاریخ پر از موارد عبرت‌انگیزی در طول امامت اهل‌بیت علیهم‌السلام است که پیروانشان به دلیل ورود سلاقی و نظرات شخصی، از همراهی امام زمان و جانشین امام زمانشان خودداری کرده‌اند:

## ۱- خواجه ربیع:

او از سرداران سپاه حضرت علی علیه السلام بود و در جنگ جمل دچار شک و تردید می‌شود، که آیا لشکری که جلوی امام زمانش صف کشیده و دست به تیغ و شمشیر شده‌اند، ناحق هستند؟

زمانی که موضوع را با حضرت در میان می‌گذارد و می‌گوید این طرف شماست که یقیناً بر حقیقت ولی آن طرف هم عایشه همسر پیامبر و طلحه و زبیر صحابه بزرگ پیامبر هستند که نمی‌توانم با آنها وارد جنگ شوم.

در نهایت حضرت به او لطف می‌کند و حکم فرمانداری مرو (خراسان) را به او می‌دهد. تا در آن حوالی نباشد.

## ۲- سلیمان صد خزاعی:

الف- زمان امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل امام زمانش را همراهی نمی‌کند.

ب- زمان امام حسن علیه السلام نسبت به صلح امام زمانش با معاویه‌ی لعین به امام زمانش توهین کرده و می‌گوید: یا مذل المؤمنین

ج- زمان امام حسین علیه السلام آن روزهایی که امام زمانش در محاصره دشمن بود نسبت به رفتن به کربلا دچار تعلل و تشکیک می‌شود.

د- و اما شاه‌برگ سلیقه‌گرایی سلیمان در قیام مسلم بود. سلیمان با این سلیقه‌گرایی و مدل خاصش نسبت به تبعیت از جانشین امام زمان علیه السلام خسارت سنگینی به تشیع می‌زند.

سلیمان به جای حمایت از قیام مسلم ابن عقیل، سفیر و نماینده‌ی مستقیم امام زمانش، سکوت می‌کند و این قیام را حمایت و تأیید نمی‌کند. در نهایت همین امر، ریشه‌ی اصلی در شکست قیام مسلم ابن عقیل، نماینده‌ی رسمی امام زمان آن عصر شیعیان می‌شود.

ه- در زمان امام سجاد علیه السلام هم دوباره خودسرانه و بدون اجازه از امام زمانش تصمیمی می‌گیرد و با گروهی از شیعیان برای انتقام و خون‌خواهی امام حسین علیه السلام



قیام می‌کند و چهار هزار شیعه را به همراه خودش به کشتن می‌دهد.

۳- مختار ثقفی:

در زمان امام حسن مجتبی علیه السلام بر خلاف سلیمان، ابتدا که امام با معاویه در حال جنگ بود با این استدلال شخصی که جنگ نابرابر است و یقیناً با شکست مواجه می‌شود امام زمانش را در جنگ همراهی نمی‌کند.

۴- و... و... و...

به‌طور یقین و از روی عقل و استدلال به تاریخ می‌بینیم و متوجه می‌شویم که اگر کسی واقعاً روحیه‌ی ولایت‌پذیری از ولی خدا را نداشته باشد، چه آن ولی را شخص حضرت رسول معرفی کند و چه امام زمانش مستقیماً معرفی کند، ایمان نمی‌آورد. همچنین اگر کسی به دنبال چشمه‌ی ایمان و بندگی باشد، آن قدر عاشقانه می‌گردد تا بالأخره زمانی به انشعاباتی از آن چشمه دست یابد. آن قدر تشنه هست و ترس از مرگ دارد که نمی‌گوید نمی‌نوشم تا سرچشمه را پیدا کنم. کسی که بخواهد برای ولایت‌پذیر نبودن بهانه‌جویی کند همیشه بهانه دارد. روزی می‌گفتند این علی را که خدا معین نکرده است و روزی هم می‌گویند این جانشین را که امام زمان معین نکرده است.

پس شرط اصلی و اول یافتن جانشین به حق امام زمان عجل الله تعالی فرجه این است که واقعاً اعتقاد و ایمان به تکلیف امروزمان داشته باشیم و از خدا و اهل بیت علیهم السلام کمک بخواهیم تا راه و شخص مناسب یا اشخاص مناسب را به ما نشان دهند.

## قانون دوم: دارا بودن ویژگی‌های مخصوص جانشین در مدعی جانشین امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در اسناد معتبری همچون:

احتجاج جلد ۲ صفحه ۴۵۶، بحار الانوار جلد ۲ صفحه ۸۸، وسائل الشیعه جلد ۸ صفحه ۹۵، و سایل الشیعه ج ۲۷ صفحه ۳۱ به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است<sup>۱</sup>:

فاما من كان من الفقهاء: صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه، مطيعاً لامر مولاه، فللعوام ان يقلدوه.  
هر کس از فقها نفس خود را از معاصی و محرمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای نفس و فرمانبر مولای خود باشد پس برای عموم رواست او را تقلید کنند.

در حدیث باید دقت کنیم، بعد از ترک معاصی و محرمات، ویژگی دیگری آمده است، مخالف هوای نفس.

مخالف هوای نفس چند سطح دارد و معنای روایت معصوم این است که از راوی حدیثی می‌توان تقلید کرد که در بالاترین سطح تقوا باشد.

ترک شهوت دنیوی و انجام واجبات به تنهایی ملاک محکمی برای تشخیص جانشین امام نیست بلکه جانشین امام باید در بالاترین سطح از مخالفت با هوای نفس باشد و آن هم رضایت در هر شرایطی از خداوند متعال است و صبر و بردباری در بلاها و سختی‌ها. جانشین امام همانند امام معصوم باید در نعمت و بلا همیشه یکنواخت رفتار و فکر کند همان طور که رفتار معصومین در بلا تغییری نمی‌کرد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱





**ولایت فقیہ**

**از کجا؟ چرا؟ چگونه؟**



خداوند متعال در دو حدیث قدسی شرط توحید را ولایت اهل بیت علیهم السلام بیان می‌فرماید: ولایه علی ابن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من النار.

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله از جانب خدا می‌فرماید: ولایت علی ابن ابی طالب دژ من هست و هرکس وارد این دژ شود از عذاب من در امان است.

و در حدیث دیگری که معروف به حدیث سلسله الذهب هست امام رضا علیه السلام از پدرانشان و نهایتاً از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کلمه لاله الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی.

کلمه لاله الا الله دژ من هست و هرکس وارد این دژ شود از عذاب من در امان است.

در یک نگاه کلی به این دو حدیث قدسی شریف می‌بینیم که خداوند متعال در همان محلی که توحید را شرط در امان بودن از عذاب عنوان می‌کند ولایت اهل بیت علیهم السلام را هم در همان محل عنوان می‌کند و با همان خاصیت در امان ماندن از عذاب. قبول این ولایت و باورش در تحت فشار نبودن است و مانند قبول بندگی در آزادی ارزش دارد.

همان‌طور که خداوند قبول بندگی‌اش را در آزادی انسان دوست دارد و دارای ارزش می‌بیند قبول ولایت اهل بیت علیهم السلام که تنها راه فهمیدن بندگی است را هم در آزادی انسان دوست دارد. در حال حاضر نیز راه رسیدن به ولایت اهل بیت علیهم السلام که انجام دستورات و تکالیف ابلاغ‌شده آن بزرگواران است در باور و قبول ولی فقیه منحصر شده است که باز هم همان روش قبول و باور آزادانه بدون تحت فشار از روی فهم دین / بصیرت و تقوایی الهی است.

## یک شبهه‌ی فراگیر

برخی از مردم می‌گویند خودمان هر چه لازم هست از قرآن و احادیث متوجه می‌شویم؛ نیازی برای مراجعه به فقیه نداریم.

بله! این بسیار بسیار مطلوب است اما یک شرط دارد که از آن غافل شده‌اند. باید خودشان در سطح یک حدیث‌شناس و متخصص روایات باشند.

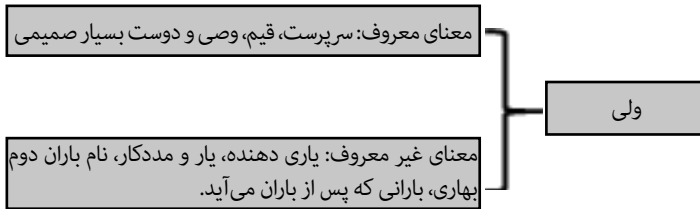
یک مجتهد زمانی حکمی را می‌دهد که علم حدیث‌شناسی را به خوبی یاد گرفته باشد و احادیث مرتبط با آن را خوب بررسی کند.

به هر حال، واضح است که بعد از این همه سختی در معرفی جانشین برای پیامبر ﷺ و اثبات جانشینی دوازده امام علیهم‌السلام بعد از ایشان، غیرمنطقی است که اهل بیت علیهم‌السلام تدیرو برنامه‌ای نسبت به عدم دسترسی مردم به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌و‌تسلیع‌الشیطان خودشان نداشته باشند و مسلمین به حال خود رها شده باشند.

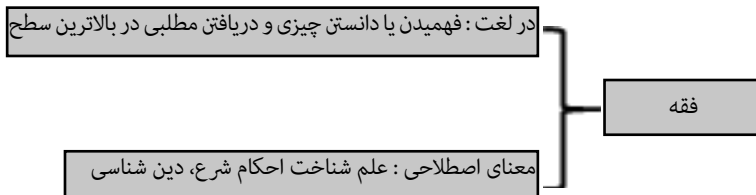
اگر ولی فقیه را که جانشین امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌و‌تسلیع‌الشیطان است بهتر بشناسیم و به صورت کلی جایگاه و اهمیت ولایت فقیه در عصر غیبت را بدانیم، یقیناً بهتر متوجه می‌شویم ولی فقیه کیست.

ایراد کار آن جایی است که برخی شیعیان گمان می‌کنند ولی فقیه سابقه ۴۰ یا ۵۰ ساله دارد!!

## شرح واژه ولی فقیه



معروف‌ترین معنای ولی، همان سرپرست و کفیل است مثل: ولی دانش آموز، ولی فرزند، ولی زن (شوهر).



فقیه: اسم عَلم، لقب مشهور برای کسی که احکام شرع و دین را می‌شناسد، متخصص در علم فقه اسلامی، شریعتمدار، عالم، مجتهد، مرجع دینی.



## معنای ولی فقیه

سرپرستی فقیه، وصی بودن فقیه، یا فقیه سرپرست و وصی است. همان طور که در معنای لفظی مشاهده شد ولی به معنای سرپرست و کفیل است و فقیه به معنای عالم دین و آشنای به مسائل دینی است. ولی فقیه در حقیقت ولایت به دین و شریعت مسلمین دارد و البته این ولایت چون قائم مقامی ولایت اهل بیت علیهم السلام است؛ طبیعتاً باید مطلق باشد تا کارآیی لازم را داشته باشد. مثلاً اگر دشمن به مسلمین حمله کند و جان و مال و ناموس مسلمین را به غارت ببرد، با حکم کدام امام که غائب است می توان به دشمن قبل اینکه مرتکب چنین جنایتی شود هجوم برد و او را کشت و نابود کرد؟ و همچنین دیگر مواردی که در مبحث فواید ولایت فقیه می آوریم.

## ویژگی‌های ولی فقیه

امام صادق علیه السلام چندین هزار شاگرد از نقاط مختلف جهان برای تبلیغ دین اسلام تربیت نمودند. البته بعد از پدر بزرگوارشان امام محمد باقر علیه السلام که ایشان هم چندین هزار شاگرد تربیت کردند.

این دو وجود پاک و بزرگ، برای جلوگیری از سوءاستفاده دنیاپرستان از دین، نسبت به تبعیت مردم از فقها و ویژگی‌هایی مطرح نمودند. چه برای فقهایی که برای تبلیغ به شهر و دیارهای دیگر رفته بودند و چه آن‌هایی که در همان نزدیکی و شهر امام مشغول بودند. بر این اساس، مسلمین طبق آن ویژگی‌ها به صلاحیت آن فقیه دست پیدا می‌کردند.

امام محمد باقر علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند:

امامت و زمامداری سزاوار کسی نیست مگر برای مردی که سه ویژگی داشته باشد:

۱- ورعی<sup>۱</sup> که او را از معاصی و گناهان الهی منع کند.

۲- حلمی که به واسطه‌ی آن مالک و صاحب اختیار غضب خویش باشد.

۳- نیکویی سرپرستی داشته باشد و نسبت به کسانی که زمام آن‌ها را به دست دارد همچون پدری مهربان باشد.<sup>۲</sup>

این حدیث از امام صادق علیه السلام را دوباره مرور می‌کنیم:

و اما من کان من الفقهاء.....

هرکس از فقها نفس خود را از معاصی و محرمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای نفس و فرمانبر مولای خود باشد، پس برای عموم رواست او را تقلید کنند.<sup>۳</sup>

اما شرایطی هم از نظر فقهای شیعه برای تبعیت از یک فقیه ذکر شده که نشانگر صداقت، توجه زیاد و دوری از دنیا پرستی علمای شیعه به آخرت می‌باشد.

۱. خوف، ترس، احتیاط، مراعات.

۲. شیخ کلینی، الکافی جلد ۱ صفحه ۴۰۷

۳. اسناد و توضیحات در صفحه ۲۰ گذشت.

با این فتوا، تمام راه‌های سوءاستفاده از مقام مرجعیت مسلمین، برای دنیاپرستی مسدود شده است:

۱- مرد باشد. ۲- بالغ باشد. ۳- عاقل باشد. ۴- حلال زاده باشد. ۵- شیعه دوازده امامی باشد. ۶- عادل باشد (اهل گناه و ترک واجب نباشد). ۷- حریص به دنیا نباشد. ۸- مجتهد باشد. ۹- از مجتهدان دیگر اعلم باشد (استادتر باشد).

### معنی مجتهد:

در لغت به معنای اجتهاد کننده است. اجتهاد یعنی: تلاش و کوشش. پس مجتهد در لغت به معنای کسی است که تلاش و کوشش می‌کند. در اصطلاح و مشهور، به معنای فردی است که در حال کوشش برای دریافتن احکام و قوانین دین است.

### شرایط مجتهد:

مجتهد به کسی گفته می‌شود که در پرتو تحصیلات عالی در علوم فقه، اصول فقه، قواعد فقهیه، علم رجال، درایه، منطق، ادبیات، حدیث شناسی و تفسیر قرآن، بتواند احکام شرعی‌ی فرعی را از منابع مربوط اسلامی، استخراج و استنباط کند. مجتهد کیست؟

مثلاً به کسی که در پزشکی به تخصص برسد دکترای پزشکی می‌دهند. به کسی که در معماری و ساخت سازه‌ها به تخصص برسد مهندس می‌گویند. به کسی که در علم فقه اسلامی به تخصص می‌رسد مجتهد می‌گویند.

### فرق مجتهد و مرجع تقلید

برخی از پزشکان مطب ندارند و بیمار را ویزیت نمی‌کنند اما برخی دیگر هم مطب دارند و هم بیمار را قبول می‌کنند. مجتهد در دین مثل پزشکی است که مراجعه کننده قبول نمی‌کند و مرجع تقلید مجتهدی است که مراجعه کننده قبول می‌کند. وجه اشتراک مجتهد و مرجع تقلید این است که هر دو قدرت استنباط احکام را دارند.

## سابقه ولی فقیه

در ذهن و افکار بسیاری از مردم، ولایت فقیه و جانشینی امام زمان عجل الله تعالی فرجه توسط یک فقیه، به بعد از دوران غیبت کبری برمی‌گردد؛ ولی با مروری اجمالی در تاریخ و دوران یازده امام دیگر پی می‌بریم که پیروی از جانشین و ولی فقیه مختص زمان غیبت نیست.

در دوران امامت امام علی علیه السلام پیروان و اصحاب فقیه آن حضرت مانند سلمان فارسی، عمار یاسر، حذیفه بن یمان و ابوذر غفاری و... مرجع پاسخگویی به مسائل شرعی مسلمین بوده‌اند.

اما شاید بتوان اولین نائب رسمی امام علیه السلام را محمد حنفیه عنوان کرد. محمد حنفیه فرزند حضرت علی علیه السلام و عموی امام سجاد علیه السلام به نیابت از امام زمان وقت شیعیان، پاسخگوی سؤالات و مسائل شیعیان می‌شود. او در مقام نماینده‌ی امام علیه السلام حتی حکم و فتوا صادر می‌کرد. شاید حضرت سجاد علیه السلام با دادن این سطح از اختیارات به نماینده‌اش، با توجه به اینکه خودشان می‌توانستند حکم‌های حساس را ابلاغ کنند، قصد این را داشتند مطلبی را به شیعیان بفهمانند. اینکه اگر در کوفه و جریان کربلا شیعیان به نماینده‌ی امام علیه السلام اعتماد می‌کردند، اتفاقات تاریخ عوض می‌شد.

جریان اذن جهاد دادن محمد حنفیه به مختار ثقفی شاهد بر این مطلب است. یک خاطره

در یکی از مناظراتم که با گروهی داشتم پس از بیان پاره‌ای از مطالبی که تاکنون عرض شد، چنین سؤالی را مطرح کردند:

تا به اینجا روایت واضح و مستقیمی از دستور امام عجل الله تعالی فرجه برای تبعیت مطلق از جانشین امام عجل الله تعالی فرجه نگفتید. آیا روایتی واضح و مشخص که تکلیف شیعیان را در تبعیت از نائب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه مشخص کند وجود دارد؟

در دوران امام صادق علیه السلام عمر بن حنظله ماجرای را روایت می‌کند که پایه و

اساس اصل ولایت فقیه را محکم‌تر و واضح‌تر بر شیعیان می‌رساند.

محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن عیسی، عن صفوان بن یحیی، عن داود بن الحصین، عن عمر بن حنظله: قالت عیسی، عن صفوان بن یحیی، عن داود بن الحصین، عن عمر بن حنظله: قالت سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجلين من أصحابنا بينهما منازعة في دين أو ميراث فتحاكما إلى السلطان وإلى القضاة أيحل ذلك؟ قال: من تحاكم إليهم، في حق أو باطل، فإنما تحاكم إلى الطاغوت وما يحكم له، فإنما يأخذه سحتاً وإن كان حقاً ثابتاً له؛ لأنه أخذ به حكم الطاغوت وما أمر الله أن يكفر به. قال الله تعالى: «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ». قلت: فكيف يصنعان؟ قال: ينظران من كان منكم ممن قد روى حديثنا ونظر في حالنا وحرماننا وعرف أحكامنا... فليرضوا به حكماً. فإني قد جعلته عليكم حاكماً... مرحوم شيخ كلینی، از محمد بن یحیی، از محمد بن حسین، از محمد بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از داود بن حصین از عمر بن حنظله که از شاگردان موثق امام صادق عليه السلام است روایت می‌کند:

دو مرد از اصحاب امام صادق عليه السلام که در زمینه‌ی مالی اختلافی بینشان پیش آمده بود، محاکمه را نزد قاضی حکومت بردند که نه قاضی مورد تأیید امام بود و نه حکومت.

من (عمر بن حنظله) از امام عليه السلام پرسیدم که آیا چنین کاری حلال و رواست؟

حضرت فرمودند:

کسی که در مورد حق یا باطلی محاکمه را نزد آنان برد (حکام جور)، بی‌گمان محاکمه به نزد طاغوت برده است و آنچه به نفع او حکم شود گرفتنش حرام است، اگر چه حق برای او ثابت باشد؛ چرا که توسط حکم طاغوت آن را پس گرفته است؛ در حالی که خداوند متعال فرموده است به طاغوت کفر بورزید.

عرض کردم یابن رسول الله پس چه باید کرد؟

امام فرمودند:

نظر کنند در میان شما، آن کس که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما ابراز نظر می‌کند و احکام ما را می‌شناسد، وی را به عنوان حَکَم قرار دهند، چرا که من او را حاکم شما قرار دادم. پس آن‌گاه که به حکم ما حکم نمود و از وی نپذیرفتند بی‌گمان حکم خدا را سبک شمرده و به ما پشت کرده است و کسی که به ما پشت کند به خدا پشت کرده است و این در حد شرک به خداوند است.

بعد از توجه به اصل این روایت که جایگاه بالا و مهم یک فقیه را در بین شیعیان می‌رساند، باید به نکته‌ای مهم توجه کرد. اینکه امام صادق علیه السلام از کلمه‌ی «قاضیا» استفاده نفرمودند بلکه کلمه «حاکما» را در فرمایش خود آورده‌اند. لذا به معنا و مفهوم کلمه‌ی حاکم می‌پردازیم تا مفهوم روایت را بیشتر درک کنیم.

حاکم از فعل حُکَم گرفته شده است و به معنای شخص حکم کننده است و اما حکم به چه معناست؟

حکم به داوری در اختلافات و دعاوی، فرماندهی و دستورات حکومتی گفته می‌شود.

با توجه به اینکه مسأله‌ی پیش آمده بین آن دو شیعه اختلاف بوده، نیاز به قاضی داشتند، ولی امام علیه السلام از کلمه قاضی استفاده نمی‌کنند و تأکید بر کلمه و لفظ حاکم دارند.

همان‌طور که واضح است قاضی فقط در مورد اختلاف بین دو نفر یا چند نفر حق رأی دارد و تا اختلافی پیش نیاید رأیی هم از طرف قاضی صادر نمی‌شود. اما حاکم اعم از قاضی می‌باشد و در تمام امور حق دخالت دارد و حتی قاضی هم با اجازه‌ی حاکم حق قضاوت را به دست می‌آورد.

با این اوصاف و ادبیاتی که امام صادق علیه السلام فرمودند فقط این‌گونه می‌توان فهمید و برداشت کرد که:

در هر زمان چه غیبت امام زمان علیه السلام و چه اینکه به هر علتی دسترسی به امام زمان علیه السلام نداشته باشیم، هیچ راه دیگری به غیر از تبعیت از فقیهی که تقوا

دارد، برای دانستن احکام و وظایف شرعیه وجود ندارد. تا به اینجا تمام نمایندگان امام که نام برده شد، همه امامزاده و فرزند امام بودند. آیا نماینده‌ی امامی هم داریم که فرزند امام نباشد؟ واضح‌ترین و معتبرترین مثال تاریخی نسبت به جانشینی یک فقیه که فرزند مستقیم امام معصوم علیه السلام نبوده و نماینده‌ی سه امام علیهم السلام هم بوده است، حضرت عبدالعظیم حسنی است.

### عبدالعظیم حسنی

نام: حضرت عبدالعظیم حسنی.

کنیه: ابوالقاسم.

تاریخ تولد: پنج‌شنبه چهارم ماه ربیع‌الاول ۱۷۳ قمری برابر با ۲۵ تیر ۱۵۸۱ یزدگردی.

محل تولد: مدینه.

نام پدر: عبدالله.

نام مادر: فاطمه.

درگذشت: جمعه پانزدهم شوال ۲۵۲ هجری قمری برابر با سیزدهم مهرماه ۲۳۵

یزدگردی (۷۹ سال).

نَسَب: شاه عبدالعظیم حسنی.

احمد بن علی نجاشی یکی از بزرگان علم رجال، می‌گوید:

هنگامی که جنازه‌ی او را برای غسل برهنه می‌کردند، در جیب لباس وی نوشته‌ای یافت شد که در آن، نسبش این‌گونه نوشته شده بود: من ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن علی بن حسن بن علی بن ابیطالب هستم. براین اساس از شاه عبدالعظیم حسنی تا امام حسن مجتبی علیه السلام پنج واسطه وجود دارد.

حضرت عبدالعظیم حسنی از راویان حدیث ائمه‌ی معصومین علیهم السلام و از چهره‌های مبارز و محبوب و مورد اعتماد نزد اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بود. او در

مسائل دین آگاه و به معارف اسلامی و احکام قرآن، شناخت و معرفتی وافر داشت.

وی محضر سه امام معصوم علیهم السلام را درک کرده و علوم دینی بسیاری از آن بزرگواران فرا گرفته بود.

عبدالعظیم حسنی روزی به خدمت امام هادی علیه السلام رسید و عقاید دینی خود را بر آن حضرت عرضه داشت. امام هادی علیه السلام عقاید او را تأیید نمود و فرمودند: تو از دوستان ما هستی.

حضرت عبدالعظیم حسنی میان شیعیان شهرری بسیار ارجمند بود و پاسخگویی به مسائل شرعی و حل مشکلات مذهبی آنان را بر عهده داشت. او از طرف امام هادی علیه السلام در آن منطقه وکالت و نمایندگی داشت.

مردم سخن او را سخن امام علیه السلام می دانستند و در مسائل دینی و دنیوی وجودش محور تجمع شیعیان و تمرکز هواداران اهل بیت علیهم السلام بود. جریان فوت ایشان

یکی از شیعیان پاکدل شهرری در خواب حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را می بیند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خواب به او می فرماید: فردا یکی از فرزندانم در محله‌ی سکه المولی چشم از جهان فرو می بندد. شیعیان او را برداشته به باغ عبدالجبار می بردند و نزدیک درخت سیب به خاک می سپارند.

آن شخص سحرگاه به منزل عبدالجبار می رود تا باغ را از عبدالجبار بخرد و افتخار دفن شدن یکی از نوادگان فقیه و عالم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نصیب خودش سازد.

اما عبدالجبار که خود خوابی همانند خواب او دیده است برای اینکه در این افتخار بهره‌ای داشته باشد محل آن درخت سیب و مجموعه باغ را وقف می کند.

فضیلت و جایگاه عبدالعظیم حسنی در کلام معصوم

یک فقیه و عالم دینی می تواند به درجه‌ای برسد که امام معصوم علیه السلام ثواب زیارتش را مانند ثواب زیارت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بفرماید.



گروهی از اهل ری خدمت امام حسن عسکری علیه السلام مشرف شدند. حضرت در میان صحبت کردن با یکی از آنان فرمودند: کجا بودید؟ عرض کردند: به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بودیم. حضرت فرمودند:

اما انک لوزرت قبر عبدالعظیم عندکم، لکنک کمن زار الحسین علیه السلام اگر زیارت می‌کردی عبدالعظیم را، که نزد شماست، هر آینه مانند کسی بود که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشد.<sup>۱</sup> می‌بینیم که جایگاه و شأنت نائب و نماینده آن چنان رفیع و بلند است که حتی وقتی نمی‌شود به زیارت قبر معصوم علیه السلام رفت، می‌توانیم به زیارت او برویم. چرا که در آن زمان شیعیان برای زیارت امام حسین علیه السلام در معرض خطر و تهدید جانی بودند.

نمونه‌هایی از فقها که در زمان غیبت کبری جانشین و نماینده‌ی امام زمان شدند.

### شیخ مفید

نام: محمد ابن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید. درگذشت: شب جمعه ۳ رمضان ۴۱۳ در سن ۷۵ سالگی. شیخ مفید مورد تحسین و احترام علمای بزرگ اهل تسنن از قبیل ابن حجر عسقلانی، ابن عماد حنبلی، شافعی و... بود.

مرحوم شیخ طوسی (رضوان الله علیه) مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف در کتاب الفهرست این‌گونه از شیخ مفید یاد می‌کند:

محمد ابن نعمان معروف به ابن المعلم، از بزرگان شیعه است. در عصر خویش ریاست و مرجعیت شیعه به او منتهی می‌گردد. او در فقه و کلام بر هر کس دیگر مقدم بود... .

قدیمی‌ترین سند موجود در باب اثبات ولایت فقیه، کتاب ((مُقَنَّنَه)) شیخ مفید

است.

وی درباره‌ی امر معروف و نهی از منکر موارد زیر را از جمله وظایف فقیه می‌شمارد:

الف- مراتب اعلی در امر به معروف و نهی از منکر.

ب- اقامه‌ی حدود الهی.

ج- اجرا و تنفیذ احکام.

د- جهاد و مبارزه با کفار.

ه- اقامه‌ی نمازهایی مانند نماز جمعه، نماز عید فطر و قربان، نماز استسقاء

(باران) و نماز وحشت.

و- داوری و قضاوت.

شیخ مفید در کتاب المقنعه آورده است:

مسأله‌ی اجرای حدود الهی مربوط به حاکم و سلطان اسلامی است که از سوی

خداوند متعال نصب می‌شوند و عبارتند از:

امامان هدایت از آل محمد علیهم‌السلام و کسانی که ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام آنان را به عنوان

امیر یا حاکم نصب کنند. این وظیفه را در فرض امکان (توانایی انجام) به فقهای

شیعه واگذار کرده‌اند. یعنی اگر فقیهی توانایی انجام موارد ذکر شده را دارد،

وظیفه‌اش است که انجام دهد.

علمای شهیر دیگری همچون خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، فارابی و

ابو علی سینا و... شبیه به چنین اعتقادی برای جانشین امام زمان دارند.

خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید:

"اگر انسان برای رسیدن به کمالات خلق شده است داشتن یک راهنمای الهی

نعمتی واجب است که برعهده‌ی فقها می‌باشد."

## فوائد و وظایف ولی فقیه

یک دسته بندی مناسب که می توان برای فواید ولایت فقیه متصور شد:

۱- شخصی. ۲- عمومی.

### شخصی

وظیفه ی مکلف، یعنی کسی که به سن بلوغ و تکلیفِ حدود الهی رسیده است، ابتدا دانستن دستورات شرعیه است که باید در فراگیری روایات اهل بیت علیهم السلام اجتهاد (کوشش و تلاش) نماید تا بعد از دانستن احکام شرعیه و الهی بتواند به آنها عمل کند.

امام مهربان، بر تک تک شیعیان واجب نکرده است که هر کدام به تنهایی باید در روایات اجتهاد کنند و مجتهد شوند؛ بلکه اجازه دادند اگر تمایلی بر چنین تلاشی نداشتند، از مجتهدی حاذق احکام شرعیه ی مبتلای خودشان را بپرسند؛ که شرایط آن گذشت.

گفتیم که مجتهد متخصص دینی است. همان طور که دکتر متخصص پزشکی است و مهندس متخصص سازه و...

این فایده ی فردی و شخصی اصل ولایت فقیه می باشد.

### عمومی

اما فواید عمومی و اهمیت اصل ولایت فقیه در جامعه شیعه بسیار مهمتر و حساس تر است. فقیهی که جانشین امام باشد وظایفی از جنس امام بر عموم مسلمین دارد. شیخ مفید با توجه به رفتار خود معصومین علیهم السلام در زمان حضور آن بزرگواران، در خصوص وظایف جانشین فرموده است:

"یک فقیه در صورت امکان و توانایی وظایفش را باید عملیاتی کند."

### وظایف ولی فقیه در نظر شیخ مفید:

۱- اجرای احکام اسلامی در جامعه.

۲- حل اختلافات مسلمین اعم از مالی، عبادی، حقوقی و سیاسی طبق نظر امام

صورت پذیرد.

۳- برقراری امنیت و حفظ نظام اجتماعی.

۴- حفظ حریم جغرافیایی مسلمانان (مرزها) از تجاوز.

۵- نظری مطابق با روایات معصومین علیهم السلام، نسبت به مسائل جدید، که مستقیماً در روایات نیامده است داشته باشد. به طور مثال اگر یکی از نزدیکان ما بخواهد پیوند عضوی انجام دهد و همه چیز مهیا باشد چطور متوجه شویم که این کار شرعی است. یا در تصادفات رانندگی بر چه مبنای دینی یک نفر مقصر می‌شود و باید خسارت بپردازد.

۶- پاسخ به سؤالات شرعیه مسلمین طبق نظر اهل بیت علیهم السلام.

این موارد وظایفی است که بردوش فقیه می‌باشد. واجب است فقیه از هر راهی که می‌تواند و هر قدر که امکان و توانایی دارد این وظایف را انجام دهد. خواه مثل خواجه نصیرالدین طوسی رفتار کند که با نفوذ در حکومت جور و ظلم حتی المقدور از لحاظ توان فردی و نسبت به شرایط موجود، وظایف مجتهد بودنش را انجام دهد. یا مثل شیخ بهایی از وزیران محب اهل بیت علیهم السلام باشد و قدری بیشتر از وظایف خودش را در قالب مجتهد انجام دهد. یا مثل امام خمینی (ره) باشد که موقعیت را برای تشکیل حکومت اسلامی مناسب می‌بیند و با درایت و سیاستی خاص و مقتدرانه که از روایات اهل بیت علیهم السلام فرا گرفته، وظایف شرعیه‌اش را در قالب یک مجتهد جانشین امام بیشتر انجام دهد.

جریان انقلاب اسلامی ایران که بر همگان واضح و مشخص است لذا به جریان خواجه نصیرالدین طوسی و تدبیر عاقلانه‌اش در حکومت هلاکوخان و سپس به استفاده‌ی بهینه شیخ بهایی از قدرت و مجالی که در حکومت شاه عباس به دست آورده بود می‌پردازیم.

## خواجه نصیرالدین طوسی

نام: ابو جعفر محمد بن حسن طوسی مشهور به خواجه نصیرالدین.  
 در گذشت: دوشنبه ۱۸ ذی الحجه ۶۷۲ - ۱۱ تیرماه ۶۵۳ - بغداد.  
 خواجه نصیرالدین هنگام حمله‌ی "هلاکوخان مغول" به ایران برای نجات مسلمین از خونریزی‌ها و خرابی‌های این حاکم بی‌رحم در دستگاه سلطنت او نفوذ کرده و با تدبیر از خرابی‌های شهر و کشتار دسته جمعی مردم به دست هلاکوخان جلوگیری می‌کند.  
 از دیگر خدمات وی تشویق هلاکوخان به ساخت رصدخانه‌ای در شهر مراغه و گردآوری کتابخانه‌ای با حدود چهل هزار جلد کتاب می‌باشد. در نهایت هلاکوخان را ترغیب می‌کند به بغداد یورش ببرد و خلافت عباسیان که دشمنی شدید با شیعه داشتند را به دست هلاکوخان سرنگون کرد.  
 بزرگترین خدمت خواجه نصیرالدین طوسی به ایران و تشیع را می‌توان پرورش شاگردانی چون، علامه حلی، قطب الدین شیرازی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، کمال الدین عبدالرزاق شبیانی بغدادی، سید رکن الدین استرآبادی، ابراهیم حموی جوینی، اثیرالدین اومانی، مجد الدین طوسی، مجد الدین مراغی دانست و با گردآوری دیگر دانشمندان ایرانی عامل انتقال تمدن و دانش‌های ایران پیش از مغول به آیندگان شد.

## شیخ بهایی

نام: بهاء الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی.  
 در گذشت: ۱۲ شوال ۱۰۳۰ قمری - ۸ شهریور ۱۰۰۰ شمسی - اصفهان ایران.  
 پست حکومتی: شیخ الاسلام، مهمترین منصب سیاسی مذهبی در دربار صفوی.  
 شاگردان: محمد تقی مجلسی، محقق سبزواری ملاحسن فیض کاشانی، ملاخلیل قزوینی، ملاصالح مازندرانی، ملاصدرای شیرازی، سید میرزا حسینی، طباطبایی نائبی.  
 تخصص: فقه، مهندس معماری، ریاضی، فلسفه، منطق، اخلاق، نجوم، عرفان، هنر،

فیزیک، حدیث و سیاست.

دلیل مهاجرت از لبنان به ایران:

تهدیدات حاکمان عثمانی نسبت به شیعیان و ازسوی دیگر احترام فراوان پادشاهان صفوی به عالمان دینی باعث شد تا عزالدین حسین ابن عبد الصمد حارثی، پدر شیخ بهایی که از دوستان و شاگردان شهید ثانی بود، زمانی که شیخ بهایی نوجوانی سیزده ساله بود به ایران سفر کند. پس از سه سال از اقامتش در اصفهان، شاه طهماسب منصب شیخ الاسلامی را به عزالدین حسین پدر شیخ بهایی اعطا کرد.

او در سال ۹۸۴ وفات می‌کند و به امر شاه طهماسب فرزندش شیخ بهایی به مقام شیخ الاسلامی منصوب می‌شود.

شیخ بهایی با در اختیار داشتن منصب شیخ الاسلام حکومت صفویه که در زمان شاه عباس هم ادامه داشت توانست بخش‌های مهمی از وظایف یک مجتهد و جانشین امام زمان را از لحاظ کمی و کیفی انجام دهد.

وظایف شیخ الاسلام:

۱- رفع ظلم از مظلومین.

۲- امر به معروف و نهی از منکر.

۳- تحقیق و بیان احکام شریعت.

شیخ بهایی با استفاده از دانش فراوان خود خدمات بیشتر و متفاوت‌تری را به جامعه انجام داد. از جمله رونق بخشیدن به شهر اصفهان، پایتخت حکومت صفویه در زمان شاه عباس. به عنوان نمونه:

- تعیین سمت قبله در مسجد شاه اصفهان که با ابزارهای ابتدایی آن زمان صورت پذیرفت در حالی که فقط ۷ درجه با جهت دقیق قبله اختلاف داشت.

- تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و روستاهای مجاور رودخانه.

- طراحی منارجنبان اصفهان که از عجایب معماری است.

- قنات زرین کمر.

- اختراع تنور نان سنگک و ساخت حلواشکری، فرنی و فالوده  
بزرگترین و خارق‌العاده‌ترین اکتشاف و اختراع شیخ بهایی کشف گازهای زیرزمینی  
مثل گاز متان و اختراع سیستم مکش گاز متان از زیرزمین بود.  
حمام شیخ بهایی:

این حمام دو راز داشت. یکی خاموش نشدن مشعل و دیگری اینکه چگونه کل  
آب مخزن حمام با یک شمع بزرگ گرم می‌شد.

شیخ بهایی طبق محاسبات دقیق، خزینه‌ی حمام را به گونه‌ای طراحی کرده  
بود که فاضلاب این مکان تبدیل به گاز متان شود. همچنین بخشی از لجن‌های  
ته‌نشین شده در این مکان، برای تولید بیوگاز مورد استفاده قرار می‌گرفت و توسط  
یک سیستم خاص سفالینه لوله‌کشی زیرزمینی، با روش مکش طبیعی، گازهایی  
مانند متان و اکسیدهای گوگردی را به مشعل خزینه حمام هدایت می‌کرده است.  
راز گرم شدن خزینه‌ی حمام با یک شمع:

مدل ساخت و جنس طلای مخزن به طوری بود که گرما را در کل بدنه مخزن به  
سرعت انتقال داده و با همان مشعل کل خزینه گرم می‌شد.

پس از انقلاب که ولی فقیه از اختیارات و اعتبار اجتماعی بیشتری در بین شیعیان  
برخوردار شدند، کشور ایران در زمینه‌های خدمات اجتماعی، رشد علمی و  
اختراعی نسبت به قبل رشد چند صد برابر داشته است.

البته دشمن با قدرت رسانه‌ای که دارد این رشد در زمینه‌های گوناگون را تحریف  
کرده و سیاه‌نمایی را القا می‌کند که ایران پس از انقلاب عقب افتاده است و  
خدمات اجتماعی خوبی ندارد!

با کمی انصاف، دقت و مقایسه با دیگر کشورهای وابسته به غرب می‌توان این  
دروغ بزرگ را به راحتی فهمید.



**زمینه‌های تبعیت از ولے فقیه**





برخی از تکالیف دینی ما شخصی و انفرادی است و برخی دیگر عمومی و اجتماعی. نسبت به تکالیف شخصی شاید هرکس بتواند کمی متفاوت رفتار کند ولی در مسائل عمومی و اجتماعی به نظر محال است. مانند نماز جماعت که نسبت به اعمالی مانند ارکان نماز (رکوع یا...) که به نظم کلی جماعت مربوط می‌شود خداوند اختیاری قرار نداده است و باید تابع امام جماعت باشیم ولی در دیگر واجبات نماز جماعت که خدشه‌ای به نظم جماعت نمی‌رساند مثل ذکر رکوع اختیاراتی داریم. در مسائل کلان کشوری هم این‌طور است. برای همین می‌توانیم در احکام شرعی‌ی شخصی با تحقیق به یکی از مراجع عظام رجوع کنیم ولی در تکالیف عمومی باید همه تابع نظریک ولی باشیم.



## احکام سیاسی و جهاد با کفار

در روایات تأکیدی نشده است که تمام مسائل شرعیه را باید فقط از یک فقیه تقلید کرد. در مقابل تأکیدی هم نیامده است که حتماً از چند فقیه تبعیت کنید. اما اگر اجماع فقها این‌گونه تصمیم بگیرند که نسبت به احکام عمومی، سیاسی و جهاد برای حفظ نظم و امکان اجرای احکام الهی در سطح جامعه، از یک فقیه پیروی شود، طبیعتاً باید در همه‌ی مسائل عمومی و سیاسی فقط از همان فقیه مورد سفارش اکثریت فقها پیروی کرد. در سیاست‌های کلان، یکپارچگی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) در تعریف ولایت فقیه می‌نویسند: ولایت فقیه به معنای حاکمیت مجتهد جامع الشرایط در عصر غیبت است و شعبه‌ای است از ولایت ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام که همان ولایت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد. بنابراین تعریف ولایت فقیه از جنس حاکمیت است. حاکمیتی که آن را مجتهدی جامع الشرایط برعهده دارد.

برگرفته از سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری (حفظه الله)

### مجتهد کیست؟

مجتهد به کسی می‌گویند که توان استنباط احکام الهی را از منابع اصلی دین، یعنی قرآن و روایات، دارا باشد و مراد از جامع الشرایط مجتهدی است که فراتر از دانش فقه و توان استنباط، دارای شرایط بالاتری باشد:

- ۱- اجتهاد مطلق. ۲- عدالت مطلق. ۳- مدیریت و استعداد رهبری.

### ۱- اجتهاد مطلق

اجتهاد مطلق یعنی کسی که صدر و ساقه‌ی اسلام را به طور عمیق و با استدلال و استنباط بشناسد. او باید بتواند مسائل جدید مسلمانان را با درایتی عاقلانه و با استفاده از منابع اصلی دین (قرآن و روایات) حل کند.

به طور مثال روزگاری دشمنان اسلام با توپ و تفنگ به مسلمین حمله کردند و مردم را به خاک و خون کشیدند. برخی از مجتهدین که دارای اجتهاد مطلق نبودند استفاده از توپ و تفنگ را برای کشتن کفاری که با توپ و تفنگ در حال کشتن مسلمین بودند شبهه‌ناک می‌دانستند. استدلال آنان این بود که زمان پیامبر و معصومین علیهم‌السلام تفنگ و توپ نبوده تا ما به عمل یا گفتار مستقیم امام استدلال کنیم. و یا تا مدتی قبل، در همین روزگار، حتی برخی از فقهای بزرگ و شهیر پیوند اعضاء را از فردی که به طور مثال ضربه مغزی شده است حرام یا شبهه‌ناک می‌دانستند.

## ۲- عدالت مطلق

عدالت مطلق یعنی فرد در تمام زمینه‌ها، حدود و ضوابط را رعایت کند. از هیچ‌یک تخلف و تخلف ننماید. فقیه عادل نباید کاری را بر اساس میل و هوس انجام دهد.

اگر قرار است ولی فقیه حاکمیتی از جنس حاکمیت امام داشته باشد، طبیعتاً باید تقوا، صبر و ظرفیت بالایی از جنس امام داشته باشد.

به طور مثال اگر ولی فقیه فقط برای لحظات کوتاهی عصبانی شود و لحظاتی اندک کنترل و روان رفتار خود را از دست بدهد، ولایتش ساقط می‌شود. (البته گرفتن حالت خشم با عصبانیت متفاوت است و خود اهل بیت علیهم‌السلام هم بر کفار و منافقین بارها خشم کرده‌اند)

## ۳- مدیریت و استعداد رهبری

مدیریت و استعداد رهبری یعنی ولی فقیه مسلمین و رهبر جامعه‌ی اسلامی علاوه بر اجتهاد، استعداد، توانایی مطلق و عدالت مطلق، باید بینش درست و صحیحی نسبت به امور سیاسی و اجتماعی داخل و خارج کشور داشته باشد. ترفندهای دشمن را خوب بشناسد؛ از تمامی هنر مدیریت و لوازم آن برخوردار باشد؛ زیرا مدیریت، گذشته از تئوری، نیازمند ذوق اداره و هنر تدبیر است. هنر

اداره و تدبیر، غیر از دانش و بینش اسلامی است؛ هنری است که هر کسی آن را ندارد.



چگونگے انتخاب و انتصاب ولے فقیہ  
در ایران (رهبری)



شیعه برای اولین بار پس از حکومت حضرت علی علیه السلام و مدت کوتاهی خلافت امام حسن مجتبی علیه السلام پس از هزار و اندی سال توانست یک حکومت برپا کند که بالأخره نزدیک‌ترین حکومت ممکن به نظرات اهل بیت علیهم السلام باشد.

این مهم به این علت رخ داد که مردم به رشدی از فهم و بصیرت در دین رسیدند و قبول کردند که مسأله‌ی ولایت فقیه، حق و تکلیفی الهی است. اما در این مسیر هرچه عموم مردم، مسئولین و خواص به ولی فقیه تابع‌تر باشند یقیناً از برکات بیشتری که ریشه در توصیه‌های اهل بیت علیهم السلام دارد بهره می‌برند. اکنون ولی فقیه حکم سفیر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه را دارد.

اگر مردم کوفه و بزرگان و خواص شیعه مسلم ابن عقیل سفیر امام حسین علیه السلام را تبعیت و یاری می‌کردند، به جای اینکه سفیر امام زمانشان شهید شود، شهر کوفه را با فرماندهی وی به تصرف درمی‌آوردند.

شاید به جای اینکه لشکری ۳۰ هزار نفری از دشمنان و قاتلین در جلوی امام حسین علیه السلام بایستند، صفی چند هزار نفری از دوستان و محبین امام زمانشان به استقبال امام حسین علیه السلام می‌رفتند و آن وقایع تلخ رخ نمی‌داد و شاید پیچ تاریخ به‌گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و بیش از هزار سال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه در غیبت نمی‌بود.

حال ما با حمایت از سفیر امام زمانمان به استقبال ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه



## شرایط و صفات رهبری

در اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بیان شرایط و صفات رهبری آمده است:

- ۱- صلاحیت علمی لازم برای رهبری امت اسلامی.
  - ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبرامت اسلام.
  - ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی در رهبری.
- و نیز آمده است:

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدم است.

شخص مناسب تر و اعلم تر به عنوان ولی فقیه چگونه انتخاب می شود؟  
مردم هیأتی از مجتهدین را انتخاب می کنند. آن هیأت که همگی از مجتهدین برجسته‌ی فقه و سیاست هستند، مجتهد اعلم را در امور رهبری انتخاب می نمایند و هرگاه تشخیص بدهند در امور رهبری نقصی وجود دارد و یا اگر فرد مجتهد دیگری از صلاحیت بیشتری برخوردار است، طبق تکلیف شرعی که برگردن دارند وظیفه دارند که تجدید نظر کنند.

رهبر با رأی دو سوم نمایندگان مجلس خبرگان رهبری به مدت نامحدود برگزیده می شود.

### یک سؤال مهم:

چرا مردم گروهی از مجتهدین را انتخاب می کنند تا آن‌ها رهبر را انتخاب کنند؟  
می شود مانند رییس جمهور، از ابتدا مردم به طور مستقیم خودشان رهبری را انتخاب کنند؟

به دلیل حساسیت بالای مقام رهبری باید ولی فقیه تمام ویژگی‌های خاصی که در روایات بیان شد را دارا باشد. چرا که ولی فقیه نه تنها حق خطا ندارد، بلکه

باید در مواقع حساس، هوش و ذکاوت بالایی در سنجیدن موارد داشته باشد و تطابق این همه ویژگی با یک شخص توسط عموم مردم تقریباً غیرممکن است که ۲ دلیل دارد:

- ۱- عدم آگاهی و علم کافی اکثریت مردم نسبت به تمام ویژگی‌های رهبری.
- ۲- عدم شناخت کافی تمام مردم نسبت به اینکه یک شخص تمام این ویژگی‌ها را دارد.

عقلاً عموم مردم یک مجتهد واجد شرایط را از نزدیک نمی‌شناسند که درست و صحیح رأی بدهند لذا مردم هر منطقه مجتهدی که خوب می‌شناسند و اعتماد دارند را به عنوان نماینده خود برای تعیین رهبر جامعه انتخاب می‌کنند.  
توضیحی مختصر:

جمع این نمایندگان ۸۸ عضو یا نماینده می‌باشند که با رأی دو سوم این مجتهدین رهبر انتخاب می‌شود. پس از انتخاب و انتصاب رهبری نیز بر صلاحیت رهبر نظارت می‌کنند.

مقام رهبری یک مقام بسیار حساس و حیاتی است که باید در حساس‌ترین و خطرناک‌ترین لحظات ابتدا بفهمد نظر امام زمانش چیست و بعد هم بتواند درست و با تدبیر آن نظر را به اجرا برساند.

رهبری باید اطلاعات کافی از روش‌های سیاسی و مدل‌های جنگی روز داشته باشد؛ تدبیر درست در دستورات حکومتی و نیز تشخیص اولویت‌های حکومتی داشته باشد.

با توجه به یک جریان تاریخی، حساسیت و خطر مجتهد بی‌بصیرت و کم‌توجه به نظر امام زمانش را برای جامعه شیعه بیشتر توضیح می‌دهیم.

## یک درس بزرگ تاریخی برای مسلمین و فقها

در سال هجرت حدوداً ۲۸ سال داشت. شنیده بود که امامت در نظر پیامبر ﷺ چه جایگاه و منزلتی دارد. مورخان شیعه و سنی او را با اوصافی نظیر زهد و تقوا، بافضیلت، باشرافت و دارای نفوذ کلمه ستوده‌اند.

پیش از اسلام و در دوران جاهلیت نامش "یسار" بود که پیامبر ﷺ نامش را به سلیمان تغییر داد.

سلیمان بن سرد بن جون ابن ابی جون خزاعی از دوستداران و اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است.

سلیمان از شیعیان خاص امیرالمؤمنین علیه السلام بود. او در بیشتر جنگ‌ها در کنار امام حضور داشت. فرماندهی بخشی از سپاه امام در صفین، مبارزه‌ی شجاعانه و جنگ تن به تن با حوشب و کشتن او، کارنامه‌ی نظامی سلیمان را درخشان ساخته است.

اما سلیمان یک صفت و یا بهتر بگوییم، یک آفت داشت که او را از رسیدن به بالاترین درجات همچون مالک اشتر یا بودن در یاران سیدالشهدا علیه السلام محروم ساخت. به طور مثال شخصی مانند زهیر بین قین که تا قبل از کربلا سابقه‌ای در یاری رساندن اهل بیت علیهم السلام ندارد به جایگاهی رسید که سلیمان نتوانست برسد. چرا که سلیمان هرگز نتوانست آن آفت را در خود اصلاح کند.

سلیمان نمی‌توانست به طور مطلق ولایت را قبول کند و در مواقع حساس مسائل را با نظر خودش مورد سنجش قرار می‌داد و می‌توان گفت، بیشتر از آن که خودش را مطیع امام کند، امام را با عقاید خودش مطابقت می‌داد و در مسائل بزرگ که مطمئن بود خودش نظر درستی دارد، از اطاعت امام سر باز می‌زد.

آنجا که نظر امام زمانش را نسبت به جنگ با شامیان درست می‌پنداشت با تمام وجود در جنگ صفین امام را یاری می‌کرد و آنجا که نظر امام را در جنگ جمل مشکوک و یا مکروه تشخیص داد، از ولایت امام خارج شد و امام را در جنگ

یاری نکرد که به همین علت امام علی علیه السلام او را توییح و سرزنش کرد. و ماجرا از این قرار است:

پس از جنگ جمل، سلیمان، امام علی ابن ابیطالب علیه السلام را در منطقه نجران در نزدیکی کوفه ملاقات می‌کند. حضرت صورت خود را از او برمی‌گردانند. امام او را سرزنش می‌کنند و می‌فرمایند:

تو دچار تردید شدی و گوش خواباندی و نیرنگ به کار بستی، در حالی که از مورد اعتمادترین افراد نزد من بودی.

سلیمان از امام معذرت خواهی می‌کند و می‌گوید: در آینده خیرخواهی من خالص‌تر خواهد بود.

سلیمان صد خزاعی در زمان امامت امام حسن مجتبی علیه السلام نسبت به امام زمانش گستاخی بیشتری می‌کند و زمانی که نظر و تصمیم امام را کاملاً مخالف باورهای خودش می‌بیند، بعد از صلح با معاویه‌ی لعین، امام زمانش را نعوذ بالله "مذل المؤمنین" خطاب می‌کند. (یعنی خوارکننده مؤمنین) و اعتراض خودش را نسبت به تصمیم امام زمانش در نامه‌ای برای امام حسن مجتبی علیه السلام بیان می‌کند.

سلیمان از پیشگامان نهضت نامه نگاری و دعوت امام حسین علیه السلام به کوفه است و آن هم پس از ارزیابی نظر امام نسبت به بیعت با یزید صورت پذیرفت و باز هم از ولایت‌پذیری کامل از امام زمانش خبری نبود.

او قیام مسلم ابن عقیل که نماینده و سفیر امام زمانش در کوفه بود را دوباره مورد ارزیابی شخصی قرار می‌دهد و آن را مکروه می‌خواند و نهایتاً مسلم را در قیام علیه دشمنان اهل بیت علیهم السلام، نه در عمل و نه حتی در زبان حمایت نمی‌کند و سکوتی می‌کند که ضربه‌ی سهمگینی به شیعه می‌زند.

عملکرد سلیمان در طول زندگی‌اش نشان می‌دهد او در حالی که دارای زهد و تقوا بوده و از فقاقت خوبی هم برخوردار بوده است، در موارد حساس و حیاتی احساسات و سلاقی خودش را در مقابل ولایت‌پذیری مطلق کنار نمی‌گذارد.

او حتی در قیامی که برای خونخواهی امام حسین علیه السلام کرد (قیام توابین)، نتوانست احساسات و سلايق شخصی اش را کنار بگذارد و باز هم در عملکردش نشانه‌هایی از عدم ولایت‌پذیری کامل از امام زمانش دیده می‌شود. سلیمان از امام زمانش که امام سجاد علیه السلام بود، هیچ‌گونه اجازه و یا حداقل مشورتی نسبت به این قیام نمی‌گیرد و بیش از چهار هزار شیعه را بدون هیچ نتیجه‌ای به کشتن می‌دهد.

شاید بتوان قضاوت مختار بن ابی عبید ثقفی را درباره سلیمان بن سرد بیشتر قبول کرد و بیشتر بیانگر روحیات سلیمان دانست:

مختار در آستانه قیام توابین به کوفه آمده بود و شاهد شکل‌گیری و آغاز نهضت توابین بود. او شیعیان را از شرکت در سپاه سلیمان بر حذر داشت و درباره‌ی سلیمان این‌گونه گفت:

..... لا علم بالحرب و السياسة: (سلیمان) فاقد دانش و بصیرت سیاسی و نظامی است.

دو درس بزرگ از چنین بهایی که تاریخ شیعه پرداخت کرده است می‌توان گرفت: درس اول:

ولی فقیه نباید به خاطر فضا و جوی که در اطرافش ایجاد می‌شود احساساتی شود. در تصمیماتش نباید ذره‌ای احساسات بر روی عقلش اثر گذارد.

در زمان شاه عبدالعظیم حسنی علیه السلام مزار مبارک امام حسین علیه السلام را به دستور خلیفه وقت تخریب می‌کنند. طبیعتاً احساسات هر عاشق اهل بیته برانگیخته می‌شود. روی همین اصل گروهی از شیعیان جمع شده و دست به شمشیر می‌برند تا جواب این بی‌احترامی را بدهند.

با توجه به اینکه یقیناً تمام آن‌ها شهید می‌شدند و در نهایت تغییری هم ایجاد نمی‌شد حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام جلوی آن‌ها را می‌گیرد و می‌فرماید:

چرا متوجه نیستید که آن‌ها (طاغوت) همین را می‌خواهند که شما را دست به شمشیر کنند و خروج کنید و در آخر شیعه را مجدد قتل عام کنند بهتر است. شما

با کنترل خشم خود مدافع فرهنگ امام حسین علیه السلام و مبلغ دین امام حسین علیه السلام باشید.

درس دوم:

رهبر شیعیان باید دانش و بصیرت بالایی در سیاست و جنگ داشته باشد. امروزه جنگ، جهات مختلفی دارد و فقط به جنگ نظامی ختم نمی‌شود. بصیرت و دانش در جنگ با دشمنان باید در همه‌ی ابعاد باشد.

به صورت اجمالی انواع جنگ را در این روزگار نام می‌بریم:

۱. جنگ زمینی. ۲. جنگ هوایی. ۳. جنگ فضایی (بالای جو زمین)
  ۴. جنگ دریایی. ۵. جنگ زرهی. ۶. جنگ فرسایشی. ۷. جنگ چریکی.
  ۸. جنگ شیمیایی. ۹. جنگ الکترونیک. ۱۰. جنگ بیولوژیک. ۱۱. جنگ سایبری.
  ۱۲. جنگ به‌وسیله‌ی تروریسم. ۱۳. جنگ نیابتی. ۱۴. جنگ نامتقارن.
  ۱۵. جنگ روانی. ۱۶. جنگ غیرمتعارف. ۱۷. جنگ کلاسیک. ۱۸. جنگ مجازی.
  ۱۹. جنگ دیپلماتیک. ۲۰. جنگ هسته‌ای. ۲۱. جنگ موشکی.
- گوشه‌ای از سخنان رهبر معظم انقلاب درباره‌ی تشخیص هوشمندانه‌ی ایشان از سبک جنگی که امروز دشمن اسلام به کار بسته است:

جنگ امروز، جنگ نرم است.

هر چه ما در نظام جمهوری اسلامی ریشه‌ی خودمان را عمیق‌تر کرده‌ایم و کارهایمان پیچیده‌تر و منظم‌تر شده است، توطئه‌ی دشمن هم پیچیده‌تر شد. امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست، لیکن جنگی که وجود دارد اگر خطرش از جنگ نظامی بیشتر نباشد کمتر هم نیست. اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمی‌خواهد.

در ادامه مقام معظم رهبری خطوط اصلی فعالیت دشمن در جنگ نرم را برای مردم بیان و تشریح می‌فرمایند:

## ۱- ایجاد ناامیدی

مرتباً القای به بن بست می‌کنند. یک وقتی می‌گفتیم تبلیغات رادیوها اما حالا مسئله هزارهاست، رادیو هست، تلویزیون هست، این وسایل اینترنت هم هست، مرتباً القای بن بست و بحران می‌کنند. القای سیاه بودن وضعیت می‌شود و دارند در این زمینه کار می‌کنند.

## ۲- ایجاد تفرقه

ما نشانه‌های وحدت عمومی مردم را داریم می‌بینیم. نماز جمعه، نمازهای عید فطر و قربان، روز قدس، چه عظمتی! انسان وقتی نگاه می‌کند، منظره، منظره‌های بی‌نظیری است. یکی از خطوط کاری دشمن همین مسأله‌ی تفرقه است.

## ۳- ایجاد غفلت از دشمن

مسأله‌ی بعدی منحرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارسایی‌های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می‌آید تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد. در این هیچ تردیدی نیست و کسی این را منکر نیست، منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد باید نقش دشمن را ببیند. این نباید ما را غافل کنند. خط اغفال، به خصوص خواص و نخبگان، از تأثیر دشمن یکی از خطوط القایی و تبلیغاتی دشمن است.

## ویژگی‌های جنگ نرم در سفارشات مقام معظم رهبری

در جنگ نظامی، دشمن به سراغ سنگرهای مرزی می‌آید. سعی می‌کند مراکز مرزی ما را منهدم کند تا بتواند در مرز نفوذ کند اما در جنگ نرم دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آن‌ها را منهدم کند. به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور می‌آید. دشمن به سراغ این‌ها می‌آید که این‌ها را منهدم کند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط

ضعف تبدیل می‌کند. فرصت‌های یک نظام را به تهدید تبدیل می‌کند، این کارهایی است که دارند می‌کنند. در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد می‌کنند و ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست.

باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی‌اش را بدانیم، تا بتوانیم براو فائق بیاییم، البته ما مَدَد الهی داریم، کمک غیبی داریم، بدون شک.

این را انسان دارد مشاهده می‌کند، لیکن ما، مادامی که هوشیارانه و آگاهانه در میدان نباشیم و تدبیر لازم را به کار نبریم کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.

### مهم ترین ابزار پیروزی در جنگ نرم

مقام معظم رهبری در ادامه چندین راه را برای پیروزی نشان می‌دهند:

اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید. بلاهایی که بر ملت‌ها وارد می‌شود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی‌هاست. خطاهایی که بعضی از افراد می‌کنند، بر اثر بی‌بصیرتی‌هاست. بصیرت خودتان را بالا ببرید. آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله

امیر المؤمنین علیه السلام را در گفتارها بیان کردم که فرموده:

أَلَا وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ.

یعنی اگر شما در جبهه جنگ نظامی هندسه زمین در اختیارتان نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست، برای همین هم شناسایی می‌روند. شناسایی از نزدیک که بدانند:

دشمن کجاست؟

چه جوری است؟

مواضعش چگونه است؟

عوارضش چگونه است؟

تا بفهمند که چه کار باید بکنند، اگر کسی این شناسایی را نداشته باشد، میدان را



نشناسد، دشمن را گم بکند یک وقت می بیند که دارد توپخانه‌ی خودش را آتش می‌کند، به طرفی که دوست است نه طرف دشمن، نمی‌داند دیگر. عرصه سیاسی عیناً همین جور است. اگر بصیرت نداشته باشید دوست را نشناسید، دشمن را نشناسید، یک وقت می‌بینید که آتش توپخانه تبلیغات شما و گفت‌وگوی شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتهد هستند و نه دشمنان.

باید به این موضوع در خودمان توجه ویژه داشته باشیم که اگر نایب امام را به خاطر نظرات شخصی قبول نکنیم و در حکم و نظر نهایی آن تردید و شک داشته باشیم، ریشه در عدم ولایت‌پذیری کامل از امام زمان دارد. مثال آشکار آن می‌تواند تبعیت نکردن سلیمان صد خزاعی از مسلم ابن عقیل باشد که سابقاً و متعاقباً هم نشان داده که از امام زمانش هم تبعیت مطلق ندارد.

شاید سلیمان صد خزاعی در اینکه واقعاً به دنبال ولایت‌پذیری از اهل بیت علیهم‌السلام هست، توجیهاتی داشته باشد ولی بعد از به امامت رسیدن امام سجاد علیه‌السلام و پس از آن همه تجربه و گوش خواباندن جلوی امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام دیگر باید به خودش می‌آمد و بعد از جریان کربلا و امام حسین علیه‌السلام دوباره نظرات شخصی خودش را در مواقع حساس دخالت نمی‌داد و با بی‌بصیرتی و فهم پایین در علم سیاست و جنگ باعث کشته شدن خودش و هزاران شیعه، آن هم بدون اثر مثبت، نمی‌شد.

واقعاً چرا سلیمان قبل از قیام توابعین از امام زمانش، امام سجاد علیه‌السلام اجازه و یا حتی مشورت نمی‌گیرد؟

آیا جز به خاطر این است که باز هم با نظر شخصی خودش پیش می‌رود و پیش خود مطمئن است کارش درست و صحیح و به موقع است؟

مگر در همان زمان مختار ثقفی قبل از قیامش از نماینده‌ی امام زمانش محمد

حنیفه اجازه نگرفت.

مگر محمد حنفیه نماینده‌ی امام زمان آن عصر نبود که بجا و با تدبیر نظر و حکم صادر کرد.

آنان که قائل به صحت ولایت فقیه در عصر غیبت نمی‌باشند بگویند که امور مسلمین باید چگونه مطابق اسلام قرار بگیرد؟ چه کسی یا گروهی غیر از مجتهدین واجد شرایط ممکن است دین اسلام را بهتر بشناسند؟

آنان که قائلند، قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نباید حکومت به دست فقها تشکیل شود، فکر کنند که بهتر است شیعیان در حکومتی زندگی کنند که اصلاً موارد دینی در متن قانون‌گذاری و اجرای قوانین وجود نداشته باشد یا بهتر است که شیعیان در حکومتی زندگی کنند که نزدیکترین حکومت جهان و تاریخ به دستورات امام زمان عجل الله تعالی فرجه است و به دنبال پیشرفت در حکومت دینی است نه دنیوی؟

واقعاً اگر روحیه غرب زدگی و امیال نفسانی نباشد چه چیز دیگری از قبول این حقیقت واضح ممانعت می‌کند؟

### تنها مسیر بندگی

خدا، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ولایت اهل بیت علیهم السلام، ولایت فقیه. آیا گزینه دیگری وجود دارد که درباره‌اش صحبت کنیم؟ دعوت به مناظره مدعیان رد ولایت اهل بیت علیهم السلام یا ولایت فقیه توسط نویسنده. هماهنگی با شماره تلفن: ۰۹۱۵۲۰۷۶۷۰۰

...و من الله التوفیق

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. وسائل الشیعه چاپ ۳۰ جلدی آل آبیّت قم ج ۱۶ ص ۲۴۶۰
۳. بحار الانوار چاپ ۱۱۰ جلدی / تهران ج ۸ ص ۳۶۸ / ج ۳۳ ص ۳۲۱ / ج ۵۱ ص ۱۶۰ / ج ۶۱ ص ۳۳۹
۴. برگزیده الغدیر چاپ سوم ۱۴۳۰ ه ق قم ص ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴
۵. الاعلام الوری باعلام الهدی چاپ بیروت ص ۴۱۵
۶. عیون الاخبار چاپ ۱۳۹۰ ه نجف اشرف ج ۲۰ ص ۵۸
۷. کشف الغمه چاپ بیروت ج ۳ ص ۳۱۸
۸. سفینه البحار چاپ ۱۴۱۴ ه. اسوه ج ۶ ص ۷۵
۹. اربعین شیخ بهایی چاپ ۱۳۷۳ ش. قم ص ۲۰۶
۱۰. دولت موعود چاپ اول ۱۳۸۳
۱۱. الذخیره فی الکلام چاپ ۱۴۱۱ ه. قم ص ۴۹۵
۱۲. صحیح مسلم / به نقل از ملا علی قاری در خاتمه الجواهر المصنیه / ج ۲ ص ۴۵۷
۱۳. شرح المقاصد چاپ ۱۴۰۵ ه. قاهره ج ۵ ص ۲۳۹
۱۴. ینابیع الموده اسوه چاپ ۱۴۱۶ ج ۴ ص ۹۶
۱۵. مسند احمد چاپ ۱۳۱۳ ه. قاهره ج ۴ ص ۹۶
۱۶. معجم کبیر چاپ ۱۴۰۴ ه. بیروت ج ۱۹ ص ۳۸۸

اصول کافی  
الايضاح  
الثاقب في المناقب  
روضات النجبات  
احتجاج  
معجم الاحاديث الامام المهدي عج  
مهدى منتظر عج  
مهدى موعود عج  
منابع اهل سنت:  
ينابيع الموده  
طناب دين  
طبقات ابن سعد  
شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد  
معلم الاوسط طبرانى  
مسند ابن شيعه  
تاريخ كبير بخارى  
كشف الاسرار  
تفسير ابن كثير  
المسائل الخمسون  
سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری  
سایت رسمی حوزه علمیه

جهت اجرای همایش «اثبات ولایت فقیه» ویژه ارگان‌های دولتی،  
خصوصی و مؤسسات و دانشگاه‌ها و مدارس توسط نویسنده یا شماره  
۰۵۱۳۸۴۵۳۳۲ یا ۰۹۱۵۲۰۷۶۷۰۰، مؤسسه فرهنگی آرامش پایدار  
تماس حاصل نمایید.

آدرس مؤسسه:

مشهد، بلوار احمدآباد، خیابان پرستار، نبش پرستار ۱/۴

حضرت آیت الله خامنه ای علیه السلام:  
ولایت فقیه شعبه ای است از ولایت اهل بیت (علیهم السلام)  
که همان ولایت رسول الله (صلی الله علیه و آله) می باشد.



یکی از دلایل اصلی عزیزانی که برای پذیرش ولایت یک فقیه در عصر غیبت دچار تشکیک می شوند، عدم آگاهی کافی و مستند از این تکلیف الهی است. در این کتاب سعی شده است اثبات این تکلیف الهی در روایات و تاریخ و از لحاظ عقل بررسی شود. در نهایت به این موضوع پرداخته ایم که وجاهت شرعی یک فقیه و وظیفه اش به عنوان یک رهبر سیاسی با جایگاه حاکمیتی در شرع مقدس چگونه ثابت می شود.



آب ت الله بهجت سلام الله علیه:  
خداوند نعمت ولایت را به اصراب داد ولی ناشکری کردند از آن ها گرفت و به اعاجم (فارس ها) عطا نمود.



ISBN:978-600-8862-17-8



9 786008 862178